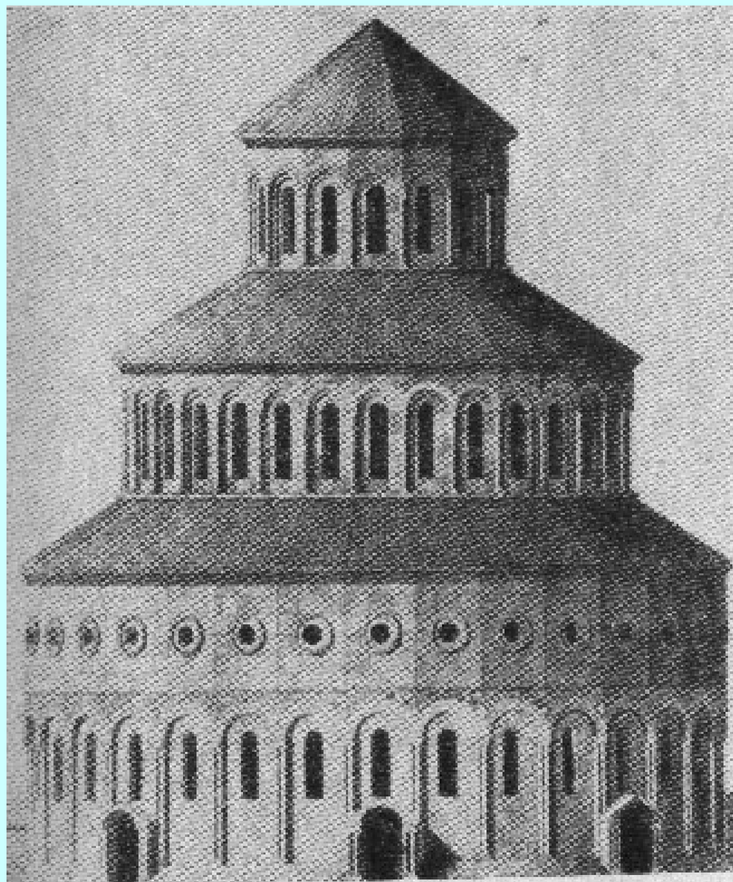
APAGA

آپاگا

فصلنامه بين المللي ايرانشناسي و ارمني شناسي
An International Journal of Armenian and Iranian Studies, No. 11-12



نمونه ای از معماری ارمنی - زوارتنوتس

ISSN 1682-5438

شماره ۱۲–۱۱ پاییز – زمستان ۱۳۸۱

ارمنیان

مقاله ای دانشنامه ای برای جوانان

نوشته: ادیک باغداساریان(ا.گرمانیک)

ارمنیان: ملتی هستند که در جمهوری ارمنستان و بیش از ۶۰ کشور دیگر جهان زندگی می کنند.

۱- جمعیت

در جهان حدود ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، جمهوری ارمنستان (۳۵۰۰ هزار). جمهوری گرجستان(۵۰۰هزار) جمهوری فدراتیو روسیه (۱ میلیون). حدود دو و نیم میلیون نفر نیز در بیش از ۶۰ کشور دیگر جهان زندگی می کنند: ایالات متحده آمریکا (۱ میلیون)، فرانسه (۳۰۰هزار)، لبنان (۲۸۵ هزار)، ایران (۸۰ هزار)، ترکیه (۱۸۰ هزار ،بعلاوه حد اقل ۳۰۰ هزار نفر اهل هامشن)، سوریه (۱۲۰ هزار)، آرژانتین (۸۰ هزار)، کانادا (۷۰ هزار)، جمهوری آفریقای جنوبی (۳۰ هزار)، بلغارستان (۲۵ هزار)، مصر (۵ هزار)، برزیل (۲۰ هزار)، عراق (۲۰ هزار)، استرالیا (۲۰ هزار)، انگلیس (۱۶ هزار)، اروگوئه (۱۶ هزار)، یونان (۱۴ هزار)، کویت (۱۰ هزار)، رومانی (۶هزار)، بلژیک (۳ هزار)، قبرس (۳ هزار)، سودان (۳ هزار)، اردن (۳ هزار)، ونزوئلا(۳ هزار)، امارات متحده عربی (۳ هزار)، اسرائیل (۳ هزار)، سویس (۲هزار)، ایتالیا (یکهزار)، هلند (یکهزار)، اتیوپی (یکهزار)، هند (۵۰۰نفر). همچنین مجارستان، شیلی، مراکش، اسپانیا، زلند نو، مکزیک، دانمارک، سوئد، پرتقال، لیبریا، برمه و غیره.

۲- منشاء و تاریخ: ارمنیان از نظر انسانشناسی به تیره آرمنوئید از نژاد اوراسیائی (اوروپئوئید) وابسته اند. آنان جزء اقوام هند و اروپائی بشمار می روند اما در مورد زیستگاه اصلی اینان بین دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی معتقدند که موطنشان در مرکز و یا جنوب شرقی اروپا قرار داشته، گروهی دیگر آنرا در آسیا در حوالی دریاچه آرال می دانند لیکن نتیجه بررسی های اخیر پژوهشگران ارمنستان نظرات فوق را رد می کند. برپایه پژوهش های آنان زیستگاه ارمنیان در فلات ارمنستان یعنی در ناحیه ای واقع در شمال مبانرودان (بین النهرین) ، شرق آسیای صغیر و شمال غرب فلات ایران قرار دارد. بدین سان بر پایه هر یک از نظرات در مورد منشاء ارمنیان نیز دیدگاه های متفاوت وجود دارد. دیدگاه نخست چنین است که این قوم در اثر ادغام تدریجی اقوام مهاجر هند و اروپایی (قوم آرمن) با اقوام بومی قدیمی تر ساکن در فلات ارمنستان مانند خوریان، لوویان و هایاسا بوجود آمده است. بر پایه دیدگاه دیگر ارمنیان از آغاز در موطن

اصلی خود فلات ارمنستان می زیسته اند لیکن از ادغام اقوام گوناگون پدید آمده اند. در دوران نوسنگی (نئولیت) اقوامی که به زبان های خانواده هند و اروپائی سخن می گفتند به شاخه های گوناگون تقسیم می شوند. بر پایه بررسی های انسانشناسی از این دوره فلات ارمنستان توسط اقوام متعلق به نژاد آرمنوئید مسکون گردید که وارث آنان ارمنیان امروز هستند. از دوران نئولیت تا انئولیت بخشی از اقوام هند و اروپائی از فلات ارمنستان و آسیای صغیر به سوی اروپا، آسیای میانه و هند کوچ نمودند و بخشی دیگر (از جمله هتیان، ارمنیان، یونانیان و ایرانیان) در زیستگاه اصلی باقی ماندند. برای بومی بودن ارمنیان دلایل و شواهد بسیار موجود است. بر پایه پژوهش های ن. واویلوف و دیگر دانشمندان محل باستانی کاربرد وسایل و کشفیات مربوط به پرورش جانوران اهلی و کشاورزی (نوع ویژه غلات و انگور، سنگ های پر ارزش، مس ، قلع، آهن و غیره) همانا فلات ارمنستان بوده است. ارمنیان از معادن مس و قلع تا عصر برونز (هزارهای دوم و سوم پ.م.) استفاده بسیار کردند. بنظر اُلکوت در هزاره سوم پیش از میلاد اندیشه ۱۲ صورت فلکی و نام های آنها و نیز گاهشماری خورشیدی در فلات ارمنستان و آسیای صغیر بوجود آمده است. در مورد پیدایی و نام ارمنیان مطالبی در روایات وجود دارد که از واقعیت های تاریخی دور نیست. بر پایه افسانه نقل شده توسط موسس خورناتسی (Movses Khorenatsi یا موسی خورنی ، سده پنجم م.) ملت ارمنی بخاطر نام هایک سردودمان ارمنیان خود را "های" (hay) می نامد اما نامی که دیگر اقوام بر ایشان بکار می برند یعنی "آرمن" یا "ارمن" از نام آرام یکی از اخلاف هایک اخذ گردیده است. فورد، غاپانسیان، یرمیان و دیگر دانشمندان نام های (خای) را به سرزمین مشتمل بر استان های هایک علیا و هایک کوچک منتسب می کنند که در سنگ نبشته های هتی بصورت هایاسا (hayasa)یا خایاشا آمده است. در اواخر هزاره دوم و آغاز هزاره نخست پیش از میلاد اقوام ساکن در فلات ارمنستان که در سنگ نبشته های میخی با نام های گوناگون از آنان یاد می شود، بصورت اتحادیه های حکومتی- سیاسی در می آیند. ارمنستان بصورت یک ملت بویژه در زمان حکومت ارمنستان یا آرمنیا (سده های نهم تا ششم پ.م.) که در زبانهای آرامی اورارتو نامیده می شد تشکل و اتحاد استوارتری یافتند. در سایه این حکومت متحد اقوام گوناگون ارمنی به اتحاد ارضی- سیاسی مستحکمی دست یافتند. در اواخر سده هفتم و در سده ششم پ.م. در منابع گوناگون (کتاب عهد عتیق، سنگ نبشته های هخامنشی، آثار نویسندگان یونان باستان) فلات ارمنستان بصورت یک کشور یکپارچه یاد می گردد. در سنگ نبشته های سه زبانه پادشاهان هخامنشی ارمنستان در متن اکدی بصورت اوراشتو (اورارتو) در پارسی باستان بصورت آرمنیا، در زبان ایلامی بصورت هارمینویا یا خارمینویا اما ارمنیان در اکدی اوراشتایا، در پارسی آرمینیا، در ایلامی هارمینویارا (خامینویارا) یاد می شوند. در کتاب نقشه جهان اثر نویسنده یونانی هکاتیوس میلتی در سده ششم پ.م. از کشور آرمنیا و ملت آرمن یاد می گردد. در زمان حکومت یرواندونی یا یرواندیان (سده هفتم تا چهارم پ.م.) روند تشکل ملت ارمنی به مرحله پایانی خود رسید. پس از لشکرکشی اسکندر مقدونی و پایه گذاری حکومت سلوکی آرتاشس اول (artashes) پادشاه ارمنستان بر آنان شورید و پادشاهی هایک بزرگ را بنیان نهاد (۱۸۹ پ.م.) که در زمان تیگران دوم ملقب به تیگران کبیر (۹۵-۵۵پ.م.) به اوج قدرت خود رسید.

در زمان حکومت آرشاگونی یا اشکانیان ارمنی (سده های ۱-۵ م.) تحولات جدیدی بوقوع پیوست. بسال ۳۰۱ ارمنیان مسیحت را بعنوان دین رسمی حکومت خود پذیرفتند. در این هنگام جمعیت آنان به ۴ میلیون نفر بالغ می گردید و وسعت هایک بزرگ به ۳۱۲ هزار کیلومتر مربع می رسید . پس از فروپاشی پادشاهی آرشاگونی (۴۲۸م.) ارمنیان با مبارزات آزادیبخش خود در برابر ساسانیان ایران، بیزانس و آنگاه حکومت تازیان توانستند هویت ملی و معنوی- فرهنگی خود را نگهدارند. در ۶- ۴۰۵م. الفبای جدید ارمنی اختراع شد و باعث استواری هر چه بیشتر فرهنگی و معنوی گردید که در شرایط غیبت حکومت ملی توانست در یکپارچگی آنان سهیم گردد. پس از پیکارها و شورش های بی امان آزادیبخش مردم در برابر

چیرگی خارجیان حکومت متحد ارمنیان بسال ۸۸۵ بدست دودمان باگراتونی بنیان نهاده شد و تا سال ۱۰۴۵م. دوام یافت پس از چندی حکومت های دیگری نیز تأسیس یافت مانند حکومت آرزرونی (ardseruni) کـه بسال ۱۰۲۱ بدست بیزانس منقرض گردید. در اثر ستم های حکومت های بیـزانس، عـرب و سـپس در اثـر تاخت و تازهای ترکان سلجوقی ارمنیان بسیاری از سرزمین خود کوچ نموده به کشورهای دیگر رفتند. یکی از مهمترین آنها کیلیکیه در کنار دریای مدیترانه بود و اراضی آن توسط معاوضه با اراضی ارمنستان اصلی به مالکیت شاهزادگان و فئودال های خائن در آمد و بسال ۱۰۸۰م. در آنجا آنـان توانـستند حکـومتی مـستقل تأسیس نمایند که به حکومت ارمنی کلیلیکیه و ارمنستان کیلیکیه شهرت یافت. مهاجرت ارمنیـان و رکـود اقتصادی و فرهنگی آنان در زمان لشکر کشی های تاتار و مغول و چیرگی ترکان و ایرانیـان ادامـه یافـت. روسیه تزاری بسال ۱۸۲۸ م. ارمنستان شرقی را بتصرف خود در آورد بدین سان ارمنیان در زیر سه حکومت روسیه، ترکیه و ایران قرا گرفتند . حکومت سلطان عثمانی ترکیه با سیاسـت ضـد ارمنـی خـود دسـت بـه کشتارهای توده ای در ارمنستان غربی زده (بویژه از سال ۱۸۶۰ به بعد) در سـالهای ۶- ۱۸۹۴ بـیش از ۳۰۰ هرار نفر را قتل عام کرد. مبارزه ارمنیان برای رهایی از یوغ حکومـت ترکیـه و مـسئله ارمنـی در محافـل حکومتی و سیاسی اروپا مطرح شده اینان گهگاه در اثر ضرورت از این مسئله بعنوان حربه ای در برابر سلطان ترک استفاده نمودند. در سال ۱۹۱۵ حکومت ترکان جوان دست به نخستین قتل عام سده بیستم زده بـیش از ۱/۵ میلیون ارمنی را در ارمنستان غربی به کام نیستی فرستاد. از آن دسته از ارمنیان که توانستند جان سالم به در برند حدود ۳۰۰ هزار نفر به ارمنستان شرقی و سایر نواحی قفقاز و روسیه پناهنـده شـدند و هـزاران نفـر دیگر به کشورهای عربی، اروپا، آمریکا و ایران پناه آوردند. قابل ذکر اسـت کـه نویـسنده بـزرگ ایـران جمالزاده هنگام عبور از ترکیه شاهد این کشتار بوده است. در اثر مبارزات ارمنیان آنان موفق شدند پـس از چند جنگ حماسه آفرین در سردارآباد و قره کلیسا بسال ۱۹۱۸ پس از پنج سـده حکومـت خـود را احیـاء نمایند. در مدت حدود دو سال (۲۰-۱۹۱۸) جمهوری مستقل ارمنستان در بخش کوچکی از ارمنستان باسـتان تأسیس شد و از سال ۱۹۲۰ حکومت سوسیالیستی جانشین آن گردید. در سایه آرامش و صلح بازسازی ملـی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی آغاز شد و حکومت ارمنستان شوروی برای کمک به ارمنیان پراکنـده در سـایر کشورها دست به اقداماتی زد و تسهیلاتی برای آنان جهت بازگشت به میهن قائل شد. ارمنیان در طول جنگ جهانی دوم در اکثر کشورهای درگیر همگام با سایر ملل در برابر نازیان و متحدانشان مبارزه نمودند. پس از جنگ روند مهاجرت آنان به ارمنستان شدت گرفت. آنان در خارج از ارمنستان دارای دهها انجمن و اتحادیه و تشکیلات مذهبی هستند که امور فرهنگی ، ملی، مذهبی شان را هدایت و اداره می کننـد. جمهـوری سـوم ارمنستان (جمهوری مستقل) در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام گردید که تا کنون پا بر جا است.

۳-ارمنیان ایران

مناسبات ارمنیان و ایرانیان تاریخی بس طولانی دارد. در زمان هخامنشیان در ایـران نـواحی ارمنـی نشین وجود داشت که مشتمل بر سپاهیان گسیل شده از سوی شاهان ارمنستان برای پیوستن بـه سـپاه ایـران بودند. کوچ نشین ارمنی در ایران از سده های سوم و چهارم میلادی تـشکیل گردیـد. یکـی از مهمتـرین و بزرگترین کوچ ها در نیمه دوم سده چهارم میلادی در پـی لشکرکـشی شـاپور دوم بـه ارمنـستان صـورت پذیرفت. بر پایه آگاهی های تاریخ نویسان ارمنی در سده های سوم و چهارم میلادی چنـد صـد هـزار نفـر ارمنی به ایران کوچانده شدند. اکثر اینان پیش از پیروزی تازیان بر ایران در سده هفـتم مـیلادی و چیرگـی آنان بر این سرزمین همانند ایرانیان به کیش اسلام درآمدند. کوچ نشین های دیگری بویژه در اسـتان هـای شمالی ایران در سده یازدهم در جریان تاخت و تازهای سلجوقیان و مغولان بوجود آمد. بویژه پس از انقراض

حکومت باگراتونی در ارمنستان (۱۰۴۵م.) نواحی ماکو، خوی، سلماس، ارومیه، قره داغ (نام ارمنی:آرتاز، هر، زارواند) و نواحی ارمنی نشین سایر استان ها وارد قلمرو ایران گردید. در سده های ۱۰-۱۴م. نـواحی ارمنـی نشین در تبریز، مراغه، رشت، سلطانیه و برخی دیگر شهرها وجود داشت. بزرگترین کـوچ نـشین ارمنـی در سده ۱۷ بوجود آمد. در سال ۱۶۰۳م. شاه عباس اول به ارمنستان لشکر کـشید تـا ترکـان عثمـانی را از آن نواحی براند در همین سال حدود ۶۰هزار نفر ارمنی از ارمنستان غربی کوچانده شدند. پس از تصرف ایـروان و راندن ترکان در سال ۱۶۰۴ سپاه سنان پاشا بسوی آنان حرکت نمود لذا شاه با شتاب صدها هزار سـاکنان ارمنی آن نواحی را به ایران کوچاند. بر پایه نوشته های شاهدان کوچ بزرگ و تاریخنویسان همعصر بیش از صد هزار نفر در جریان کوچ هلاک شدند. یک سیاح اروپائی تعداد ارمنیـان کوچانـده را ۳۰۰ هـزار نفـر و برخی دیگر تعدادشان را بیشتر از این تا ۵۰۰ هزار یاد کرده اند. آنـان در تبریـز، گـیلان(رشـت، انزلـی)، مازنداران، از قزوین تا اصفهان اسکان یافتنـد اکثـر آنـان در نـواحی نزدیـک اصـفهان(لنجـان، آلنجـان، فریدن،کروند)، بختیاری (چهارمحال) و سلطان آباد(اراک، الیگودرز، بربرود، گپله، کمره)، شیراز، همـدان و غیره استقرار یافتند. بدستور شاه عباس در کنار زاینده رود شهر جلفای نو بنا گردید و ارمنیان پس از مـدتی کوتاه این شهر را تبدیل به یکی از مراکز بازرگانی و فرهنگی ایران نمودند. در سال ۱۶۰۶ کلیـسای وانـک جلفا که مرکز اسقف نشنین جنوب ایران و هندوستان تا اکنون است، بنا نهاده شد. بازرگانان ارمنی جلفا که به خوجا یا خواجه معروف بودند مناسبات تجاری با هند، اروپا و روسیه برقرار نمودند. جلفای نو در سده های ۱۷ و ۱۸ بصورت مرکز مذهبی ارمنیان و نیز مهمترین مرکز فرهنگی آنان در آمد لیکن در اثر لشکر کـشی افغانان دچار رکود فرهنگی و اقتصادی گردید. گروهی از آنجا به کشورهای هند و عرب، قفقـاز و روسـیه کوچ کردند. در سال ۱۸۳۳ تبریز مرکز ارمنیان ساکن در استانهای شمالی ایران گردید. پس از اینکه تهـران بعنوان پایتخت قاجار در آمد مهاجرت ارمنیان از شهرهاو بویژه روستاها بسوی آنجا آغـاز شـد. ارمنیـان در جریان انقلاب مشروطه همکاری نزدیک با سران جنبش داشتند. آنان حق برخورداری از نماینـده در مجلـس ایران را در زمان همین انقلاب در سالهای ۱۹۰۵- ۱۹۱۱ بدست آوردند، بر اساس آن ارمنیان جنوب و شـمال ایران جمعا" دو نفر نماینده در مجلس داشتند که این امر هنوز هم برقرار است. پس از اینکـه در سـال ۱۹۲۰ حکومت ارمنستان شوروی برپا شد، این جمهوری تبدیل به مرکز ثقل تمام ارمنیان جهـان گردیـد و بـدین ترتیب آنان از گوشه و کنار جهان راه بازگشت بسوی میهن خود را در پیش گرفتند. مهـاجران بـسیاری از کشوهای عربی از طریق تبریز به ارمنستان باز گشتند. مهاجرت ارمنیان ایران از سال ۱۹۲۰ تـا اواخـر دهـه ادامه یافت. پس از پایان جنگ جهانی دوم دولت ارمنستان تسهیلاتی برای بازگشت ارمنیان دیگر کـشورها در نظر گرفت و تنها در سه ماه نخست سال ۱۹۴۶ تعداد ۲۰،۷۰۰ نفر از ایران به ارمنستان رفتند. جمـع ایـن افراد در سال ۱۹۴۶ به ۲۵-۲۸ هزار نفر می رسید. سیر مهـاجرت در سـال ۱۹۴۷ بعلـت مـسائل و مـشکلات فراوان متوقف گردید اما در دهه ۵۰ بطور ملایم ادامه یافت و در دهه ۶۰ میان دولت های ایـران و شـوروی توافق بعمل آمد که ایران با کلیه ارمنیانی که مایل به بازگشت به ارمنستان بودند همکاری لازم را بـه عمـل آورد. پس از آن تا کنون این امر ادامه دارد بطوریکه جمع ارمنیان بازگشتی در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۷۲ به ۶۵هزار نفر می رسد. مهاجرت پس از سال ۱۹۷۹ روند جدید تری بخود گرفت.

۴- فرهنگ ارمنیان ایران

کانون های فرهنگی ارمنیان در ایران تا سده ۱۷ ایجاد شده بود. نخستین آنها وانـک تـادئوس مقـدس (قره کلیسا) است سپس شهرهای سلطانیه و تبریز. تا پیش از سال ۱۶۰۰ م. در تبریز مـدارس ارمنـی وجـود داشته است. پس از مهاجرت ارمنیان در دوره شاه عباس، جلفای نو کـانون اصـلی فرهنگـی ارمنیـان ایـران گردید. در آنجا مدارس و کلیـساهای فـراوان پایـه گـذاری گردیـد. خاجـاتور کساراتـسی (khachatur

kesaratsi) بسال ۱۶۴۱ نخستین چاپخانه ایران را در جلفا تأسیس نمود. در شهرهای اراک، تبریز، تهران، جلفا، اهواز، آبادان، همدان، مراغه، قزوین، مشهد، رشت، انزلی، مسجد سلیمان، کرمانشاه و در روستاهای ارمنی نشین ، مدارس پسرانه و دخترانه متعدد بنا گردید. سال ۱۹۳۶ نقطه عطف تلخی برای ارمنیان ایران بود. پس از این سال بدستور رضاخان برای ایرانیزه کردن کلیه اقلیت های (بویژه پس از تمایل وی به سیاست شووینیستی آلمان نازی) مدارس ارمنی یکی پس از دیگری تعطیل شد و تا سال ۱۹۴۱ (خروج رضا خان از کشور) ادامه یافت پس از آن مدارس بتدریج کار خود را از سر گرفتند. در آنها در دوره ابتدایی و متوسطه زبان و ادبیات ارمنی و درس دینی تدریس می شد. پس از انقلاب اسلامی تنها در دوره ابتدایی و راهنمایی بصورت محدود تدریس این مواد صورت می گیرد . از نظر ادبیات اشعار عاشق های جلفای نو (خنیاگران دوره گرد) قابل ذکر است. از جمله نویسندگان ارمنیان ایران می توان آراکل داوریژتسی (arakel davrizhetsi) تاریخنویس نامدار، خاچاتور جوقایتسی(khachatur jughayetsi)، هواهانس ماسهیان مترجم آثار شکسپیر و سایر نویسندگان اروپایی، هوسپ میرزایان مترجم خیام حافظ، سعدی، بابا طاهر و چند نویسنده اروپایی را نام برد. ماسهیان آثاری از آلکساندر دوما، چارلز دیکنز، مولیر و دیگران را برای ناصرالدین شاه ترجمه نمود. از شعرا و نویسندگان متاخر باید آرام گارونه، گئوگ دارفی، مارکار قره بگیان (دوdev)، گالوست خاننس، آرا، آشوت آسلان، آرمن گس، پتروس کاجبرونی، آرشاویر مگردیچ و زورایر میرزایان را نام برد. لئون میناسیان، ادیک باغداساریان (ً ا. گرمانیک) و دیگران نیز در زمینه تاریخ و فرهنگ ارمنی کار می کنند. ارمنیان در رشته های هنر نقاشی (مینیاتور) دارای مهارت بودند از جمله نقاشان نامدار میناس نقاش، هوانس مرکوز، بوگدان سالتانف و در دوران اخیر سارکیس خاچاتوریان ،آندره سوروگین (درویش) و آواگ هایراپتیان قابل ذکرند. در موسیقی لئون گریگوریان، نیکول گالاندریان، هامبارسوم گریگوریان، لوریس چکناوریان به خلق آثار پرداخته اند. از دهه های ۷۰ و ۸۰ سده نوزدهم در تبریز، تهران و جلفای نو تئاتر ارمنی آغاز بکار نمود، از جمله فعالان تئاتر ارمنی ایران مگردیچ تاشجیان، مانوئل ماروتیان و خانواده گوستانیان را باید نام برد. در مورد انتشارات باید گفت که از سال ۱۶۳۸ نخستین کتاب ارمنی در ایران منتشر گردید. پس از آن با ایجاد چاپخانه هایی در شهرها مختلف کتاب ها و مجلاتی چاپ و منتشر شد از جمله شاویغ، زبان ارمنی، خبرنامه جلفای نو، شارژوم (جنبش)، بوبوخ، ورازنوند (رستاخیز) و غیره. اکنون پنج نشریه ارمنی در ایران به چاپ می رسد : روزنامه آلیک ، ماهنامه آراکس ، دو هفته نامه لویس ، فصلنامه ارمنی شناسیآپاگا ، فصلنامه پیمان، فصلنامه ادبی-هنری هاندس .کهن ترین بناهای تاریخی ارمنی در ایران عبارتند از وانک های تادئوس مقدس (قره کلیسا) و استپانوس مقدس در نزدیکی ماکو و وانک جلفای نو. ارمنیان ایران همانند دیگر مجامع، از سال های ۱۱-۱۹۰۵ دست به تشکیل انجمن هایی در تهران، جلفای نو، تبریز، رشت، اهواز، اراک، آبادان، مسجد سلیمان و سایر جاها زدند از جمله: باشگاه ارمنیان (۱۹۳۱)، گارون (۱۹۵۷)، انجمن نویسندگان ارمنی، باشگاه آرارات، انجمن ملی و فرهنگی ارمنی و غیره. ایجاد کتابخانه های عمومی نیز توام با دیگر فعالیت های فرهنگی در شهرهای گوناگون آغاز شد. از جمله مرکز مهم اسناد و کتب باید کتابخانه ماتنادارن جلفای نو را نام برد که دارای نسخه های دستنویس قدیمی و آرشیو شایان توجه می باشد.

۵- فرهنگ ارمنی

فرهنگ ارمنی طیف گسترده ای دارد که به اختصار در زیر بیان می گردد.

خط ارمنی: در مورد وجود خط ارمنی پیش از الفبای فعلی اطلاعات دقیقی در دست نیست. گروهی از دانشمندان معتقدند که ارمنیان در زمان باستان خط منحصر بفرد خود را داشتند. گروهی نیز مخالف این نظریه هستند . خط فعلی در سال ۴۰۵م. بوسیله مسروپ ماشتوتس (mesrob mashtots) ابداع شده است.

پیش از آن مکاتبات درباری بزبانهای یونانی، آشوری و پارسی صورت می گرفت. نیاز شدید و نیز حمایت پادشاه ورامشاپوه و جاثلیق ساهاک پارتو (sahak partev) ، ماشتوتس را تشویق به این کار نمود. الفبای ابداعی ۳۶ حرف داشت که حروف اُ و ف (o و f) در آن کم بود. این دو نیز در سده های میانه اضافه گردیده تعداد حروف به ۳۸ رسید. حروف ارمنی مانند الفبای عربی دارای ارزش عددی است. این حروف همانند حروف الفبای لاتین دارای اشکال بزرگ و کوچک بوده از چپ به راست نوشته می شوند. روش نگارش ارمنی دو گونه است:

الف: روش قدیم- که از زمان مسروپ ماشتوتس تا کنون با آن می نویسند(با برخی تغییرات).

ب- روش جدید که برای برطرف نمودن برخی مشکلات نگارشی روش قدیم، در چهارم مارس ۱۹۲۲ در ارمنستان رسمیت یافت و ایرادهای آن در سال ۱۹۴۰ بر طرف شد. یادگیری و کاربرد زبان با این روش آسان تر است.

زبان ارمنی: زبان رسمی جمهوری ارمنستان است. این زبان یکی از شاخه های مستقل خانواده زبانهای هند و اروپائی بوده نسبتا" ارتباط نزدیکی با زبان های ایرانی، بالتیک- اسلاو و یونانی دارد. این زبان در شرایط تماس یک رشته از زبان های هند و اروپائی ، قفقازی، هوری- اورارتوئی بوجود آمده تدریجا" پس از فروپاشی حکومت ارمنی اورارتو در سراسر ارمنستان رایج و حاکم گردید. این زبان در سیر تحولی خود به سه مرحله قابل تقسیم است:

الف: ارمنی باستان (سده های ۵ تا۹).

ب: ارمنی میانه (سده های ۱۲-۱۶)

ج:ارمنی نو (آشخارابار، از سده ۱۷ تا کنون).

توام با زبان نوشتاری باستان (گرابار) زبان گفتاری باستان نیز وجود داشته است. بخش هوری – اورارتویی زبان ارمنی ۱۰–۲۰ در صد از ذخیره لغات این زبان ها را که بر ما شناخته شده است تشکیل می دهد. نیز گروهی از لغات زبان های هتی (نیسی، لووی، هتی هیروگلیف، زبان بالائی و غیره) و نیز آشوری، یونانی،تازی، ترکی، روسی و پارسی در این زبان وجود دارند که در اثر تماس های طولانی با این ملل حاصل شده اند. زبان فعلی ارمنی دارای دو شاخه کلی است: ارمنی شرقی که در ارمنستان و ایران بدان سخن گفته می شود و ارمنی غربی که بوسیله ارمنیان کشورها عربی، اروپائی و آمریکائی مورد استفاده قرار دارد. این دو شاخه دارای اختلاف هایی جزئی با یکدیگرند.زبان ارمنی دارای ساختار دستوری و ذخیره لغات بسیار غنی و مستحکم می باشد و در زمان حکومت سوسیالیستی تلاشهای جدی برای استاندارد کردن آن صورت گرفت ، بگونه ای که این زبان از هر حیث با زبانهای مطرح و بین المللی چون انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیائی ، ایتالیایی قابل قیاس می باشد و ترجمه از آن زبان ها بگونه ای شیوا و سلیس و رسا صورت می گیرد.

ادبیات و علوم: در مورد ادبیات ارمنی پیش از اختراع خط اطلاعات چندانی در دست نیست. موسی خورنی قدیمی ترین شعر ارمنی را که گزارش زایش واهاگن (vahagn) یکی از خدایان دین باستانی بود در کتاب تاریخ خود آورده است. بر پایه اطلاعات موجود نخستین نویسنده ارمنی ورویر(veruyr) پسر آرتاشس پادشاه ارمنستان بود. پس از اختراع خط بویژه در تاریخنگاری، فلسفه و علوم طبیعی آثار پرارزشی توسط کوریون (سده ۵م.) غازار پاربتسی، موسس خورناتسی (موسی خورنی- سده ۵م.) یزنیک کوغباتسی، آگاتانگغوس ،یغیشه، پاوستوس بوزاند (سده ۵م.)، سبئوس (سده ۷م.)، غوند (ghevond- سده ۸م.)، داویت آنهاغت (سده ۶م.)، مُوسس کاغانکاتوتسی و آنانیا شیراکاتسی نگارش یافت. پس از اینکه حکومت ارمنستان در سال ۱۰۴۵ فًرو پاشید و ارمنیان توانستند در کناره دریای مدیترانه (کیلیکیه) صاحب دولت گردند این سرزمین تبدیل به مرکز فرهنگی آنان گردید. در سده های ۱۰-۱۴م. ادبیات ارمنی رنگ دنیوی

بیشتری بخود گرفت. مدارس و دانشگاه هایی تأسیس گردید که دانشمندان بسیاری به جامعه تحویل دادند. از جمله دانشگاه آنی، سیس (سده ۱۱-۱۲) گلازور (۱۳-۱۴) تاتو (۱۴-۱۵). گریگـور ماگیـستروس، هـوانس سارکاواگ، توما آرزرونی، مخیتار هراتسی، نرسس شنورهالی، مخیتار گوش، وارتان آیگکتـسی و غیـره از چهره های نامدار علوم و ادب بودند. در سده های ۱۰-۱۴ بویژه غزلسرایی ترقی نمود. بزرگترین شـاعر ایـن سده ها گریگور نارکاتسی است که دارای سوگنامه مشهوری می باشد. داستان حماسی داویت ساسونی شایان توجه است. مگردیچ نقاش (سده ۱۵)، ناهاپت کوچاک (سده ۱۶)، ناقاش هوناتان (سده ۱۷) پـا بـه عرصـه ادبیات نهادند. در سده ۱۸ سایات نووا شاعر محبوب تمام مردم قفقاز بود. در سده نوزدهم رنسانس ادبی ارمنی بوقوع پیوست که از جمله پیشتازان این جنبش خاچاتور آبوویان و میکائیل نالباندیان بودنـد. در ایـن سـده کلاسیسیسم جای خود را به جریان های جدید ادبی یعنی به رومانتیسم و رئالیسم داد و موتیف میهن دوسـتانه در آثار راپائل پاتکانیان نمایان گردید. بزرگترین رمان نویس ارمنی رافی (هاکوپ ملیک هاکوبیان) آثـار بسیاری پدید آورد. در ادبیات نمایشی گابریل سوندوکیان و در طنز نویسی هاکوب بارونیان را باید نام برد. شعرا و نویسندگان بزرگ دیگر عبارتند از: پرچ پروشیان (رمان نـویس)، غـازاروس آقایـان، شـیروانزاده، هوانس هوانسیان، هوانس تومانیان، آوتیک ایساهاکیان در سده بیستم: واهان دریان، یغیشه چـارنتس، گغـام ساریان، بارویر سواک، هوانس شیراز و شعرا و نویسندگان متـاخر: هاموسـاهیان، واهـاگن داوتیـان، سـیلوا کابودیکیان، گورک امین، سرو خانزادیان، ویلیام سارویان (آمریکـا) و در زبانـشناسی هراچیـا آجاریـان، مانوک آبغیان، گورک جاهوکیان، ادوارد آقایان و غیره. در سده بیستم بـویژه در دوره پـس از چنـگ دوم جهانی علوم ترقی شایان توجهی داشت. تنها در سال ۱۹۷۰ تعداد یکصد مرکز پژوهشی در ارمنستان کار می کرد. از رشته های مهم علمی باید به آستر و فیزیک اشاره نمود. در اواخر دهه ۴۰ ویکتور هامبارسـومیان و مارکاریان ستاره شناسان رصد خانه بیوراکان ارمنستان موفق به کشف منظومه های جدید در کهکشان شدند. ارمنیان از جمله ملت هایی هستند که دارای دایرهٔ المعارف بزرگ و انواع مختلف آن هستند. آکادمی علـوم ارمنستان سهم بسزایی در پیشرفت ادبیات و علوم ایفا می نماید.

هنر: هنر ارمنی از هزاره سوم پیش از میلاد سرچشمه گرفته در شرایط اجتماعی و زیستی قـوم هـای تشکیل دهنده ملت ارمن در طی تاریخ به تکامل خود رسیده است. آثاری از دوران اورارتو از جملـه خرابـه های پرستشگاه موساسیر نیز بسیاری آثار دیگر چون نگاره های گرمابه و پرستشگاه گارنی بجا مانده است. پس از پذیرش مسیحیت در ارمنستان هنر ویژه کلیسایی که خود آمیخته با ویژگی فرهنگی دوران پاگانیسم بود بر هنر ارمنی سایه افکند و تم های انجیلی موضوع اصلی هنر نقاشی و موسیقی، تذهیب، کنـده کـاری و معماری را تشکیل داد. اکثر کلسیاهای قدیمی ارمنستان پرستشگاه های دوران پاگانیـسم بودنـد کـه در اول سده چهارم میلادی به کلیسا تبدیل گردیدند. این ها به چند دسته تقسیم می شوند: ۱- معابـد بازیلیـک یـک دالانی، ۲- معابد بازیلیک سه دالانی، ۳- معابدی به سبک وانک اجمیادزین و کلیسای جامع دوین. در اواخـر سده ۶ و ۷م. سبک جدیدی از کلیساهای ارمنی که به «سبک هریپسیمه» معروف است به اوج خـود رسـید. سپس بنای معابد چند دالانی نیز معمول شد. بر روی این بناها تزئینات کنده کاری شده دیده می شود. استادان ارمنی در کاربرد سنگ های متنوع شهرت داشتند. موسیقی کلیسائی توسط مسروپ ماشتوتس، ساهاک پارتو و جاثلیق کومیتاس (سده ۷) و دیگران با خلق انواع خاص شاراگان و کسورو پیشرفت چـشمگیری داشـت. تیگران بزرگ (۹۵- ۵۵پ.م.) در پایتخت تیگراناگرد تئاتری بنا کرد و هنرمندان یونـانی را بـرای اجـرای نمایش به آنجا دعوت نمود. در دوران مسیحیت نمایش های مردمی رایج بود. مینیاتور در سـده هـای میانـه مهمترین بخش هنری را تشکیل می داد. متون خطی بسیاری توسط نقاشان تزئین گردید. از جمله آنـان بایـد توروس روسلین، سارکیس پیزاک را یاد کرد. از سده ۱۳م. تمایل به جنبه های دنیوی در هنر ارمنـی شـدت گرفت. در سده های بعد ناقاش هوناتان، بوگدان سالتانف در نقاشی سایات نـووا در سـرود و شـعر مردمـی

شهرت بسزایی داشتند. در سده نوزدهم هنر تئاتر رواج تازه ای گرفت و نمایش هایی با تم هـای تـاریخی و کمدی در مسکو، تفلیس، استامبول ، ایروان و سایر جاها اجرا گردید. نام پتروس آدامیان در تئاتر، تیگـران چوخاجیان، ماکار یکمالیان، کارامورزا بویژه کومیتـاس موسـیقیدان بـزرگ در زمینـه موسـیقی، گـورگ باشینجاقیان، وارتگس سورنیان، هاروتیون شامشینیان بویژه هوانس آیوازوسکی نقاش نابغه در تمهای دریایی که شهرت جهانی دارد، شایان ذکر است. هنر ارمنی پس از استقلال ارمنستان در سده بیستم رونق چشمگیری داشت. با ایجاد دانشگاه ها و آکادمی علوم، هنر ارمنی مورد پژوهش و کاربرد دقیق و مـنظم قـرار گرفـت. هنرمندان ارمنی در صحنه های جهانی ظاهر شدند همانند مارتیروس ساریان در نقاشی و آرام خاچاتوریان در موسیقی. بسیاری از بناهای قدیمی ترمیم و بازسازی شدند. سده بیستم بویژه از دهه ۶۰ به بعـد را مـی تـوان دوران تجدید حیات ملی ارمنی در کلیه زمینه ها دانست.

۶- دین و آداب و رسوم

پیش از آنکه بسال ۳۰۱م. ارمنیان مذهب مسسیح را پذیرا شوند، در دوران های مختلف اعتقادات مذهبی مختلفی داشتند. در زمان پادشاهی ارمنستان موسوم به اورارتو خدای خالدی با پرستشگاه موساسیر در راس خدایان دیگر قرار داشت. تیشبا(teysheba) خدای آب و باران و سیل و توفان شیوینی(shivini) خدای آفتاب و حدود ۷۹ خدای دیگر پرستش می شدند. در دورانی که ملت ارمنی مراحل تشکیل خود را می گذرانید خدایان هایک، آرای زیبارو، تورک مورد پرستش بودند آنگاه ارمنیان دارای پانتئون جدید خود شدند که آرامازد (اهورامزدای ایرانی) در رأس آن قرار داشت. واهاگن خدای جنگ، رعد و برق و غرش و خدای اژدهاکش و الهه آناهیت بعنوان الهه حامی ارج و مقام خاصی داشتند. مهر و تیر خدایان آفتاب و فضیلت، نانه (nane) و آستغیک الهه عشق بودند. بر طبق روایات ارمنی انجیل را تادئوس در جنوب ارمنستان و بارتلمی در شمال آنجا پراکندند. سرانجام ارمنیان در سال ۳۰۱م. در زمان حکومت تیرداد سوم اشکانی ارمنی توسط گریگور لوساوریچ (گریگور روشنگر) به مسیحیت روی آوردند. کلیسای ارمنی اکنون یک کلیسای ملی مستقل بوده به هیچ یک از کلیساهای دیگر (کاتولیک، پروتستان و ارتودکس) وابستگی ندارد و مقر آن در شهر اجمیادزین ارمنستان واقع است. مهمترین جشن های ارمنی عبارتند از: جشن نو یا آمانور، عید تولد و غسل تعمید مسیح، باریگندان (برقندان)، زاغکازارد، عید پاک، دیارندارج، هامبارسوم (عید عروج مسیح)، وارتاوار، جشن تطهیر و تقدیس انگور، که برخی از این ها آمیخته با اعتقادات پیش از مسیحیت است مانند وارتاوار. طبق سنت تمامی ارمنیان جهان هر سال روز ۲۴ آوریل را به یاد شهادت ارمنیان در ترکیه گرامی می دارند. غیر از آن روز فرهنگ (بمناسبت ابداع خط ارمنی- جشن مسروپ ماشتوتس) و عید وارتان نیز دارای اهمیت بسیار زیادی هستند.

۷- ارمنستان

زندگی تاریخی ارمنیان در سرزمینی جریان یافته است که در جغرافیا بـه نـام سـرزمین کوهـستانی ارمنستان یا فلات ارمنستان معروف است که ارمنستان امروزی در شمال شرقی آن واقع است. فلات بین `۳۰ °۳۷ تا `۱۵°۴۱ عرض شمالی و ۳۸ تا ۴۷ درجه طول شرقی محدود بوده بین فلات های آسیاسی صغیر و ایران و در شمال غربی آسیای مقدم قرار گرفته است. ارتفاع ان ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریاسـت. کـوه هـای مهم آن آرارات بزرگ (۵۱۵۶متر) آرارت کوچک (۳۹۱۴متر)، آراکاتس (۴۰۹۵متر)، سـپیان (۴۴۳۴متـر). رودهای مهم: آراکس (ارس)، آخوریان، آرپا. رودهای دجله و فرات از کوههای ارمنـستان سرچـشمه می گیرند. دشت های آرارات، شیراک، تارون، خاربرد، ارزنجان، باگرواند همواره از نظر اقتـصادی اهمیـت خاصی داشته اند. دریاچه وان (۳۷۳۳ کیلومتر مربع)، با ماهی تارخ (tarekh) دریاچه سوان (۱۴۰۰ کیلـومتر

مربع) با ماهی خاص ایشخان ، دریاچه ارومیه (در قدیم کاپوتان یا کبودان) بین فلات های ایران و ارمنستان دریاچه های بزرگ فلات ارمنستان محسوب می شوند. دنیای جانوارن فلات شامل گوزن، آهو، گوسفند وحشی، گراز، گرگ، روباه، خرس، کفتار، عقاب، کرکس، باز، لک لک، کبک، اردک، بلدرچین، قرقاول و غیره است. از نظر معادن زیر زمینی مس، سنگ آهن، سرب، نقره، طلا، مولیبدن، پرلیت، مرمر، سنگ های گوناگون مانند نوع خاصی توف، بازالت، سنگ آهک و غیره قابل ذکرهستند. آب های معدنی با خواص شفا بخش خود بوفور در آنجا یافت می شوند. ارمنستان قدیم به ۱۵ استان تقسیم شده بود که عبارتند از:آیرارات، واسپوراکان (وان فعلی)، سیونیک، آرتساخ (قره باغ فعلی)، گوگارک، هایک علیا، تورووبران، آغزنیک، سوفن (سوپک) ، تایک، پارسکاهایک، کُرچِک، موک، پایتاکاران (جمهوری آذربایجان فعلی)، اوتی.

۸- تاریخ

ملت ارمنی در غرب و جنوب غربی این سرزمین در هایاسا و آرمه- شوبریا تشکیل شده است. در سد نهم پیش از میلاد پادشاهی ارمنستان (اورارتو) ایجاد گردید، آنگاه در سده ششم پیش از میلاد سلسله یرواندیان (یرواندونی) بقدرت رسید. ملل دیگر ارمنستان را آرمنیا می نامند که نخستین بار در کتیبه بیستون مربوط به داریوش اول هخامنشی (سال ۵۲۱ پ.م.) بکار رفته است. در همان زمان مورخ یونانی هکاتیوس میلتی (۵۴۰ تا ۴۸۹ پ.م.) در نقشه باستانی جهان ، کشور آرمنیا را مشخص نموده است.

در سال ۱۸۹پ.م. سلسله آرتاشسیان بر سر کار آمد که قلمرو آنان عمدتا" هایک بزرگ بود لیکن در هایک صغیر، سوفن و کوماگن نیز پادشاهی های متمایل به فرهنگ هلنی بوجود آمد. ملت متشکل ارمنی کلیه اقوام ساکن در فلات را در خود مستحیل نموده همگان به زبان ارمنی سخن می گفتند . این پروسه در زمان تیگران بزرگ (۹۵- ۵۵ پ.م.) که قلمرو حکومت ارمنستان شامل کلیه نواحی فلات گردید بپایان رسید. نقشه ارمنستان باستان محفوظ است [در "نقشه سوم آسیا" تنظیم کلاو دیوس پتوله می] بعد ها ارمنستان در مسیر کشمکش های ابر قدرت های زمان، ایران و روم قرار گرفت لیکن استقلال نسبی خود را تا پایان حکومت اشکانی ارمنی حفظ نمود. تا اینکه در سال ۳۸۷م. بین قدرتهای یاد شده تقسیم شد.حکومت اشکانیان ارمنی در سال ۴۲۸ م. منقرض گردید. در سال ۳۰۱م. مسیحیت مذهب رسمی کشور گردید. با وجود تقسیم به دو بخش، حکومتهای فئودالی ارمنی که به ناخارار موسوم بودند به حیات خود ادامه دادند. برخی نواحی مرزی ارمنستان در اثر این واقعه خالی از سکنه ارمنی شد. در میان چیرگی تازیان، سلجوقیان، ترکان عثمانی و قزل باشهای ایران (صوفیان) در ارمنستان، گرجستان و آلبانیا (ارّان) سعی در اشاعه مذهب های دیگر گردید. خطر مذاهب زرتشتی و غیره برای ارمنیان تازه مسیحی شده باعث یک رشته جنبش های مردمی در برابر ساسانیان ایران و خلافت تازی گردید (قیام های ۵۱-۴۵۰، ۸۴-۴۸۲، ۵-۷۴۸، ۷۵-۷۷۳، ۵۲-۸۵۱ و غیره) در اثر این پایداری ها در نیمه دوم سده نهم بخش بزرگی از ارمنستان از چیرگی دیگران آزاد گردید و پادشاهی باگراتونی در پی احیاء حکومت متحده زمان اشکانیان بر آمد. از آنجا که ارمنستان میان قدرت های تازی و بیزانس قرار داشت این امر مشکلاتی در جهت تشکیل حکومت متحده بوجود می آورد. چند حکومت پادشاهی دیگر در واسپوراکان، تارون، سیونیک، کیوریکیان، کارس (قارص) و غیره خراج گزار و وابسته به حکومت باگراتونی بود. در اثر تاخت و تازهای ترکان سلجوقی در نیمه های سده ۱۱م. این حکومت فروپاشید. در زمان تقویت گرجستان همسایه (سده های ۱۲ و ۱۳م.) بخش های شمالی و مرکزی ارمنستان از دست سلجوقیان آزاد شده بسرکردگی سلسله زاکاریان حکومت ارمنستان احیاء شد و تا سال ۱۲۳۶ (مصادف با لشکر کشی مغول و تاتار) دوام یافت. از آن پس حکومت ارمنیان در ارمنستان کیلیکیه در کناره های دریای مدیترانه ادامه یافت (۱۰۸۰ تا ۱۳۷۵م.). پس از فاجعه مغولان، تاخت و تازهای تیمور و طوائف آق قویونلو و قره قویونلو (سده های ۱۴ و ۱۵) برای ارمنستان اسفناک بود. در سده ۱۶ ارمنستان

تحت سیطره ترکان عثمانی و صفویان ایران قرار گرفت. تا اینکه بسال ۱۸۲۸ بخش شرقی ارمنستان بتصرف روسیه تزاری در آمد. بخش غربی (با وجود کلیه ستم های مذهبی و ملی و کشتارهای جمعی و تغییر اجباری مذهب و سایر مسایل) تا اوایل سده بیستم بخش عمده جمعیت ارمنی را در خود داشت. دولت ترکیه با برنامه ریزی های دقیق و با استفاده از وضعیت ایجاد شده در سالهای ۱۸-۱۹۱۴ در جهان، دست به یکی از دهشتناک ترین عمل جنائی زده بیش از ۱/۵ میلیون ارمنی را قتل عام نمود. البته گروهی که توانست به کشوهای همسایه، اروپا و آمریکا پناه برد. در سال ۱۹۱۸ پس از پنج سده حکومت جمهوری ارمنستان تنها در بخش کوچکی از سرزمین اصلی برپا شد و از سال ۱۹۲۰ حکومت جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان جانشین آن گردید. بر اساس پیمان سور (sevre) پاریس (۱۰ اوت ۱۹۲۰) ترکیه مکلف شد استان هایی از ارمنستان غربی را به جمهوری ارمنستان باز پس دهد. لیکن با بقدرت رسیدن مصطفی کمال این امر جامه عمل نپوشید. از سویی دیگر استان های آرتساخ (قره باغ) نخجوان و آخالکالاک در تصرف جمهوری های آذربایجان و گرجستان شوروی باقی ماند. مسئله ارمنی که برای نخستین بار در عهد نامه سان استفانو (۱۸۷۸) در مجامع بین المللی مطرح شده بود تا کنون لاینحل باقی مانده است.

منابع

۱-تاریخ ارمنستان. دو جلد.ترجمه ا. گرمانیک. تهران: ۱۳۶۰.
۲- ارمنیان. دیوید مارشال النگ و کریستوفر واکر. ترجمه ا. گرمانیک تهران: ۱۳۶۱.
۳- نامداران فرهنگ ارمنی. جلد۱. ترجمه ا. گرمانیک. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۶۱.
۴- ارمنی بیاموزیم. نگارش ا. گرمانیک، تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۶۳.
۵-دایره المعارف بزرگ ارمنی. جلد۶. ایروان: ۱۹۸۰.
۶-تاریخ ادبیات کهن ارمنی. دو جلد. نگارش پروفسور مانوک آبغیان. بیروت: ۱۹۵۵.
۷-تاریخ کامل ارمنستان. هشت جلد. ایراوان: ۱۹۷۱ به بعد.
۸-تاریخ تحول اندیشه فرهنگی ارمنی. پروفسور آراک آراکلیان. ایروان: ۱۹۵۹.
۹-ارمنیان. سیراپی در نرسیسیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: ۱۳۵۷.
۱۰- هنر نقاشی جلفای نو. م. قازاریان. ترجمه ا. گرمانیک. تهران: ۱۳۶۳.
۱۱- ایرانیان ارمنی. نوشته اسماعیل رائین. تهران: ۱۳۵۶.
۱۲- جشن های کلیسای ارمنی. اسقف آرداک مانوکیان. تهران: ۱۹۶۹.
۱۳- تاریخ کوچ نشین های ارمنی. دوجلد. پروفسور آبراهامیان. ایروان: ۱۹۶۷.
۱۴-تاریخچه کوچ نشینی ارمنی ایران. مارتیروسیان. مجموعه کشورها و ملل شرق. جلد۸ ایروان: ۱۹۷۵.
۱۵- دایره المعارف های آمریکانا و بریتانیکا.
۱۶- تاریخ سیاسی و احتماعی ارمنیان ترجمه و تالیف پادماگریان، آقاسی. تهران: ۱۳۵۲.
۱۷- راهنمای مطبوعات ارمنی در ایران و جهان. تهران: انتشارات آلیک، ۱۳۴۷.
۱۸- اولین چاپخانه ایران. نگارش اسماعیل رائین. تهران: انتشارات آلیک، ۱۳۴۷.
۱۹- تاریخ ارمنستان. نگارش موسی خورنی. ایروان: ۱۹۶۸.
۲۰- ارمنیان ایران. نگارش نازار گوروپانس. تهران: ۱۹۶۸.
۲۱- تاریخ جلفای نو. دو جلد. هاروتیون هوهانیان. جلفای نو: ۱۸۸۰.
۲۲- موسیقی ارمنی. آشوت پادماگران. بیروت: ۱۹۷۳.
۲۳- معماری ارمنی. ادوارد اوتوجیان. پاریس: ۱۹۶۸.
۲۴- تاریخ ادبیات ارمنی. سه جلد. ایروان: ۱۹۵۹.
۲۵- دین ارمنیان در دوران پاگانیسم. واغارشاباد (ارمنستان): ۱۸۷۹.
۲۶- قتل عام ارمنیان. نوشته اسماعیل رائین. تهران: ۱۳۵۷

پیرامون واژه «پیس» و معادل ارمنی آن

ادیک باغداساریان
خرداد ماه ۶۹

۱- کاربرد این واژه در کتاب مقدس

- الف: عهد عتیق: کتاب دوم پادشاهان، برابر باب پنجم.
- ب: عهد جدید:

انجیل مرقس: باب ۱، آیه های ۴۰ تا ۴۵ و باب ۴ آیه ۳.
انجیل لوقا: باب ۵، آیه های ۱۲ تا ۱۶.
انجیل لوقا: باب ۴، آیه ۲۷.
انجیل لوقا: باب ۲۷، آیه های ۱۲ تا ۱۶.
انجیل متی: باب ۸، آیه های ۲ و۳.

۲- در ارمنی کلمه bor (բոր) برای آن بکار می رود:
معادل کلمه bor ایرانی که بنا اسناد آن کلمه سغدی baruka تلفظ است.
در عربی: اَلبُرُص (که از آن: albarazo اسپانیولی، alvaraz پرتقالی، albara و albora در فرانسه قدیم)
در گرجی: (boroti) "شر، بد، خطرناک،...)
در فارسی پیس pis
در ترکی pis (کثیف، بد)
در لاتین scaber (ابرص، پیسی، کثیف)، scabies(پیس)
در تاتاری bert (ابرص، پیسی)
در روسی (leper، پیسی، ابرص)
در هلندی lepra (lepralijder، پیسی، ابرص)
در فرانسه lepre (le'preux ابرص، پیسی)
در ایتالیایی lebbra (lebbroso، پیسی، ابرص)
در اسپانیایی جدید lepra (leproso پیسی، ابرص)
در پهلوی pes(ak)
در یونانی (lepra) (lepros پیسی، ابرص)
در اوستا paesa (ابرص) هندی باستان pecas
در یونانی باستان pithaghas
در کردی pis، pesai

در افغانی pos، posai
[نیز مراجعه شود به ص ۴۳۹ و ۴۴۰ برهان قاطع جلد ۱]

در مورد بیماری

۱- نوعی بیمای مسری جلدی، علامت آن تاولها و جوشهایی در روی پوست است و در آن ها مایع بدبویی مترشح می شود.
۲- بیماری پیسی بصورت لکه هایی قرمز که بعدا" برنگ سفید در می آید.

برص در فرهنگ ارمنی

بصورت نفرین:
bor unenas ghunk' chunenas(بر- اونه ناس- غونک چونه ناس)
برص داشته باشی اما ناخن نداشته باشی (نفرین)
[تا نتوانی بخارانی]
ne'ra xoske' indz bor yeghav (نرا- خوسکه- ایندز- بر- یغاو)
حرف او باعث تکدر خاطر من شد.

آنانکه به این بیماری مبتلا بودند در واژه و کات پخ شرکت نمی کردند (روستای کندا- کمره)

منابع بکار رفته عبارتند از:

۱- فرهنگ ریشه شناسی ارمنی. تالیف پروفسور هراچیا آجاریان. جلد دوم. ایروان.
۲- فرهنگ مفصل ارمنی جلد ۱. تالیف استپان مالخاسیان. ایروان
۳- فرهنگ ارمنی- انگلیسی. تالیف مسروپ گولومچیان. بیروت
۴- فرهنگ هفت زبانه (انگلیسی-آلمانی-هلندی-سوئدی-ایتالیایی-فرانسه-دانمارکی)
۵- فرهنگ ارمنی-روسی. ایروان.
۶- برهان قاطع
۷- فرهنگ فارسی- پهلوی. تالیف بهرام فره وشی.
۸- ماهنامه لویس، تهران ۱۹۴۴.
۹- فرهنگ یونانی- انگلیسی، انگلیسی- یونانی.
۱۰- کتاب مقدس. متن کامل.
۱۱- آیه یاب کتاب مقدس.
۱۲- اهالی روستای کندای کمره و چهارمحال بختیاری
ا. گرمانیک

پیرامون نقش گیاهان
در اعتقادات ارمنیان و مسیحیان

ادیک باغداساریان (گرمانیک)
دوم شهریور ۱۳۶۹ تهران

نگاهی کوتاه بر ستایش درختان در ارمنستان باستان

جنگل و درختان یکی از مواردی هستند که مورد ستایش و گرامی داشت ارمنیان بوده انـد. در نـزد آنان جنگل "مقدس" نام یافته بویژه درخت چنار مورد ستایش بوده و آن نیز مقدس خوانده شده است. برای نمونه باید به اشاره موسی خورنی تاریخنگار نامی ارمنی (سده پنجم میلادی) توجه نمـود. مطـابق آن «آرای زیبا روی پس از مرگ فرزندی بجای می گذارد بنام آنوشاوان که او را "سوس" (sos) می نامیدند.

(sos در ارمنی به معنی چنار است). زیرا او مطابق اعتقادات به آرمناک یـا آرامانـک (armenak, aramanek) و درختان چنار او هدیه شده بود» (تاریخ موسی خورنی- کتاب نخست، فصل بیـستم)(۱). نیـز خورنی اشاره می کند که ارمنیان از صدای خش خش برگهای این درختان چنار می توانستند پیشگویی کنند. مولف همچنین اضافه می کند که ستایش درخت چنار در ارمنستان دوران های طولانی وجود داشته است.

بجز از درخت چنار، درخت سپیدار که نوعی تبریزی است و به ارمنی bardi نامیده می شود در نـزد ارمنیان احترام و ستایش خاصی داشته است. این درخت نه تنها در دوران شرک (پیش از میلاد) که پـس از میلاد مسیح نیز مورد ستایش بوده است.

نرسس شنورهالی (nerses-she'norhali) شاعر و چهره سرشناس کلیسای ارمنی (۱۱۷۲-۱۱۰۲) در یکی از آثار خویش بنام «نامه ای برای همگان» (tught-e'ndhanrakan) اشـاره مـی کنـد کـه در شـهر ساموساد نه تنها آفتاب را می پرستیدند بلکه درخت سپیدار نیز مورد ستایش آنان بود زیرا دیوها درون ایـن درختان می رفتند و مردم را وا می داشتند تا ایشان را بپرستند(۲).

در دوران مسیحیت نیز درختان احترام خاصی داشتند بگونه ای که وقتی مسیح دارد بیت المقدس می شود مردم شاخه درختان زیتون و خرما زیر پای او می نهند(۳). بـدین مناسـبت عیـدی بنـام «زاغکـازارد» (tzaghk'azard) (متشکل از tzaghik به معنی گل و zard به معنی زینت و آرایش) در کلیسای ارمنـی وجود دارد. این عید آخرین یکشنبه روزه بزرگ است (روز یکشنبه پیش از عید پاک) که انگلیسیان به آن Palm Sunday گویند و یونانیان Eulogemene. در مراسم این عید در کلیسا شاخه هـای درختـان بیـد و زیتون تقدیس شده به مردم می دهند(۴).

۲- فهرست اشارات کتاب مقدس به درختان

- درخت توت: کتاب دوم سموئیل باب ۵ آیه ۲۳.
- درخت انجیر: متی باب ۲۱ آیه ۲۰.
  مرقس باب ۱۱ آیه ۱۳.
  متی باب ۲۴ آیه ۳۲.

لوقا باب ۱۳ آیه ۶، باب ۲۱ آیه ۲۹.
- درختان میوه: سفر پیدایش باب ۴۹ آیه ۱۱.
صحیفه ارمیاء نبی باب ۲ آیه ۲۱
صحیفه حزقیال نبی باب ۱۵ و ۱۷
صحیفه هوشع نبی باب ۱۰
مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۸
-درخت سرو: پادشاهی اول باب ۵ آیه ۶ باب ۶ آیه ۱۵
ایوب باب ۴۰ آیه ۱۷
-درخت کاج: صحیفه اشعیاء نبی باب ۴۱ آیه ۱۹
و باب ۶۰ آیه ۱۳
-درخت و شاخه های خرما: عروج باب ۱۵ آیه ۲۷
سفر لاویان باب ۲۳ آیه ۴۰
سفر تثنیه باب ۳۴ آیه ۳
کتاب داوران باب ۱ آیه ۱۶
و باب ۱۳ آیه ۲
کتاب دوم تواریخ: باب ۲۸ آیه ۱۵
انجیل یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۳
مکاشفه یوحنا باب ۷: آیه ۹.

پی نوشتها

۱- آرای زیبا روی (ara) پادشاه افسانه ای ارمنستان، که سمیرامیس ملکه آشور دلباخته او گردید.
۲- نرسس شنورهالی «نامه ای برای همگان) صفحه ۲۳۸-۲۵۳. ونیز ۱۸۳۸.
۳- انجیل متی باب ۲۱ آیه یکم. مرقس باب ۱۱ آیه ۷.
۴- "اعیاد کلیسای ارمنی". نوشته اسقف اعظم آرداک مانوکیان. تهران: ۱۹۶۹. صفحه ۱۰۷ (متن ارمنی).

معماری ارمنی

نوشته پرفسورادوارد اوتوجیان
ترجمه ادیک باغداساریان

پیشگفتار

الف: سازمان امور خیریه گلبنگیان

شادروان گالوست گلبنگیان، ثروتمند نیکوکار، «پادشاه نفت»، «آقای ۵ درصد» در طول زندگی خود کوشید تا موافقت حکومت شوروی را برای بازسازی کلیسای جامع اچمیادزین جلب نماید. این کلیسای جامع در ارمنستان و در دامنه کوه آرارات، در ۲۰ کیلومتری ایروان پایتخت واقع است.

گالوست کلبنگیان که استخراج نفت عراق را بعهده داشت، از اتباع بریتانیا و اصلا" ارمنی بود.

این مرد متدین که بانی کلیسای ارمنی لندن بود، می خواست در بازسازی قدیمی ترین کلیسای جامع عالم مسیحیت، یعنی اچمیادزین بنا شده در قرن چهارم، نیز سهیم باشد. آیین عشاء ربانی در طول ۱۷ قرن در آنجا جشن گرفته شده است و این کلیسای جامع مقر عالیجناب وازگن اول، پاتریارک اعظم و کاتولیکوس تمام ارمنیان می باشد.

گلبنگیان بیستم ژوئیه ۱۹۵۵ در لیسبون دار فانی را وداع گفت در حالیکه آرزویش را عملی نساخته بود و ثروت کلانش را که یکی از بزرگترین ها در جهان بود به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار برای سازمان گلبنگیان بجای گذاشت تا صرف کمک به دانشجویان، محققین و هنرمندان کلیه ملیتها و تشویق و ترغیت هنر و علوم شود.

او در وصیتنامه اش (که اجرای آن به عهده پارلمان پرتقال واگذار گردیده است) مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ دلار برای بازسازی کلیسای جامع اچمیادزین اختصاص داد با این امید که باهمکاری حکومت محلی یک نفر آرشیتکت برای نظارت در کارها اعزام گردد.

دو سال پس از مرگش، اتحاد شوروی برای اولین مرتبه در تاریخ خود مبلغ ارثیه یک ثروتمند سرمایه دار را پذیرفت.

بنابراین هیئت اجرائیه سازمان گلبنگیان، سر سیدنی کین(۱)، اقتصاددان متبحر در امور و مسائل حقوقی، سیاسی، اقتصادی و رئیس دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه لندن، دکتر آرشیتکت و برنامه ریز شهری (D.I.U.U.P, D.P.L.G.) ادوارد اوتوجیان (ancien e'le've du cours des monuments historiques de Pares)(2) از فرانسه بعنوان شخصی ماهر در فنون بازسازی فرانسوی و متخصص در معماری ارمنی تعیین گردیدند.

مذاکره با حکومت شوروی توسط وزارت امور خارجه و به کمک the Quai d'orsay انجام گرفت. دو متخصص در دهم اوت ۱۹۵۷ از طریق مسکو عازم ایروان گردیدند. مقامات ذی صلاح بویژه وزارت مراسم و تشریفات و آکادمی معماری اتحاد شوروی بسیار مفید واقع شده تمام اطلاعات ضروری را جهت انجام ماموریت در اختیار آنها گذاشتند.

وظایف متخصصین در ارمنستان شوروی آسان تر گردید و در خور قدردانی است که حکومت محلی حمایت ویژه ای از کلیسای ارمنی بعمل می آورد و با توجهات عالیجناب کاتولیکوس(جاثلیق) وازگن اول، سر سیدنی کین و ادوارد اوتوجیان حدود یک ماه در ارمنستان اقامت داشتند و به کمک آرشیتکتهای ارمنی و اداره حفظ بناهای تاریخی، مطالعات فنی، معماری و اقتصادی خود را انجام دادند. مقدمات کار بازسازی بسرعت انجام گردید.

در فاصله بین سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۴، آقای اوتوجیان چندین مرتبه به مدت طولانی در ارمنستان بسر برد. کار بازسازی در سال ۱۹۶۴ بپایان رسید و بنا به دعوت عالیجناب کاتولیکوس، اعضای سازمان خیریه گلبنگیان در اکتبر ۱۹۶۴ به ارمنستان رفتند تا نتیجه کارها را ببینند. هیئت توسط دکتر آزردو پردیگو(۳) رئیس سازمان سرپرستی می شد و بوسیله همسر وی، آقا و خانم روبرت گلبنگیان (رئیس امور شرقی سازمان و نوه نیکوکار مرحوم)، خاتم ریتا اسایان (دختر نیکوکار مرحوم) و آقای ادوارد اوتوجیان همراهی می گردید. در طول بازدید، عالیجناب کاتولیکوس، به آقای اوتوجیان صلیب درجه اول گریگور روشنگر مقدس- عالی ترین مدال کلیسای ارمنی- را اعطاء نمود.

بنابراین برای اولین مرتبه یک آرشیتکت فرانسوی در بازسازی یک بنای فرهنگی در قلمرو شوروی شرکت نمود.

آقای اتوجیان در جریان اقامتش، به سراسر ارمنستان مسافرت نمود و قسمتهایی از گرجستان آذربایجان را نیز پیمود. او یک هزار اسلاید رنگی چاپ نشده به همراه آورد که در یک سری حدودا" ۶۰ سخنرانی در فرانسه (پاریس، لیون، مارسل، والنس) و نیز لندن، بروکسل، لی اژ، میلان، ژنو و در ایالات متحده، نیویورک، بوستون، کمبریج، سنفرانسیسکو و در لوس آنجلس مورد نمایش و بحث و گفتگو قرار گرفتند. این عکس ها نشانگر ارمنستان قدیمی و نوین، مناظر و زیبایی های طبیعی آن، کوه آرارات، دریاچه سوان، بناهای ارمنستان از قرن چهارم تا پانزدهم، همچنین آثار باستانی از ۳۰۰۰ قبل از میلاد تا سده چهارم عصر ما (دوران معماری بت پرستی) بودند.

ب) ملت ارمنی : کم شناخته شده در غرب

تاریخ ارمنیان که از هزاره دوم قبل از میلاد تا زمان حال جریان یافته است در غرب نسبتا" کم شناخته شده است. مطابق افسانه های مسیحی ، ارمنستان بصورت بهشت زمینی توصیف شده است. کشتی نوح بر کوه آرارات، مرتفع ترین قله ارمنستان (۵۲۰۰متر) نشست و نوح اولین تاک را در دشت آرارت کاشت. اکنون ۴ میلیون ارمنی(۴) در پهنه جهان پراکنده شده اند (ارمنستان شوروی، ایران، هند، ترکیه، خاورمیانه، یونان، فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، آمریکای جنوبی و غیره).

پادشاهی ارمنستان در آستانه سده چهارم (۳۰۱ میلادی) دیانت مسیح را پذیرفت. ارمنیان از جانب صلیبیون بسیار مورد ستایش قرار گرفتند زیرا از کمکهای آنها بهره مندگردیدند و پاپ گریگور سیزدهم اعلام داشت که هیچ ملتی بیشتر از آنها به صلیبیون کمک و مساعدت نداد.

ریشلیو و سپس کلبرت امتیازات تجاری را توسط «Echelles d'orient»(۵) به آنها اعطاء نمودند و ایشان را به اقامت در پروانس و مارسل تشویق کردند. در اواخر قرن نوزدهم و در طول ربع اول قرن بیستم

افکار عمومی جهان توسط کشتارهای جمعی ارمنیان که در جریان آنها بیش از یک میلیون نفر بقتل رسید تکان خورد.

در زمانهای اخیر چندین ارمنی مشهور توجه عمومی غرب را جلب کرده اند ، از جمله گالوست گلبنگیان «پادشاه نفت» ، موسیقیدان معروف خاچاتوریان، که گایانه را تصنیف کرد، ویلیام ساررویان نویسنده، مایکل آرلن نویسنده انگلیسی، هنری تروایانت عضو آکادمی فرانسه (این سه نویسنده همگی ارمنی الاصل هستند)، ستاره شناس و فیزیکدان نامدار پروفسور هامبارسومیان و برادران آلیخانیان از ارمنستان شوروی، عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی و آکادمی علوم کشورهای غربی (ایالات متحده، بریتانیای کبیر، فرانسه، آلمان و غیره)، کاردینال آقاجانیان و برادران میگویان یا میکویان و غیره.

بعلاوه مسئله مهمتر در بطن معماری آن است که در اساس و زمینه چه معماری شرقی و چه معماری مسیحی غرب قرار دارد که این ملت سازنده، و فعال در طی ۳۰۰۰ سال بوجود آورده و دین خود را نسبت به تمدن جهانی ادا نموده است.

این معماری که بخاطر ساخت، اندازه، تناسب و یگانگی منطق خود شناخته شده است بر سبک رُمانسک کشورهای غربی تاثیر گذارده و بر آن برتری دارد. این امر بوسیله دانشکده باستانشناسی فرانسه و توسط افرادی چون شارل تکسیر، دوبوا دو مونپترو(۶)، ژ. دومورگان، اوگوست شوازی، شارل دیهل، گابریل میله، ماکلر، فوسیلون، بالتروساتی، بوسویلوال، ژنوی پدر، گرابار متعاقب کارها و کوششهای دانشکده های ارمنی، اطریشی، آلمانی، روسی، انگلیسی، ایرلندی و آمریکایی و توسط استرژیگوسکی، گلوک، رامسای بابل ماروت، دالتون، خانمها ف. هنری و سیراپی در نرسسیان، توکارسکی و مهمتر از همه، استاد کبیر معماری قدیمی ارمنستان یعنی توروس تورامانیان به جهان غرب معرفی شد.

پ) صفحاتی از تاریخ ملت ارمنی

منشاء تمدن ارمنی در تاریکی اعصار نهفته است و با فرهنگ هیتی ها، خوری- میتانی و اورارتو در آمیخته است. بر اساس نظریه آدونتس، ارمنیان شکل منحصر بفرد خود را در فاصله بین سده های دهم تا ششم قبل از میلاد بدست آورده اند.

پادشاهی ارمنستان و قلمروش از بحر خزر تا دریای سیاه و در دوره های بعد تا سواحل مدیترانه کشیده می شود.

«ارمنستان صحنه جنگهای بزرگ بوده چندین مرتبه مورد هجوم همسایگانش قرار گرفته است ولی نه آشور نه بابل، نه اسکندر کبیر، نه رومیها، نه بیزانسیها، نه ساسانیان، نه پارتیان، نه تازیان و نه ترکهای سلجوقی که سرزمین آنها را بارها مورد تاخت و تاز قرار دادند نتوانستند استحکامات ارمنستان را تسخیر کنند و مردم کوه نشین و مستقل آنرا زیر سیطره خود در آوردند.»

اکثر کسانی که به ارمنستان لشکرکشی کردند به وسایل مختلف نابود شدند. هیچکدام از آنها قدرت مقابله با این ملت کوچک را نداشت.

البته تخلیص تاریخ پیچیده آنها در یک لیست کوتاه غیر ممکن بنظر می رسد.

ارمنستان بزرگ

قبل از میلاد

۳۰۰۰- اقوام خوری- میتانی، ماقبل میتانی، ماقبل هیتی در ارمنستان.

۲۰۰۰- اقوام هیتی، نائیری و هایاسا.

۱۲۰۰- لشکرکشی فریژیان (انقراض امپراتوری هیتی).

۷۰۰- انحطاط و زوال اورارتو.
۴۸۴-۵۲۱- لشکرکشی داریوش اول، پادشاه پارس. (کتیبه میخی، ۵۲۰)
۴۰۱- گزنفون از ارمنستان عبور کرد و ملت ارمنی توجهش را جلب نمود. (قعب نشینی بزرگ)
- مادها، پارسها و هخامنشی ها
۳۳۱- اسکندر کبیر، خاندان سلکولی (یونانیان).
۹۵- تیگران دوم، داماد مهرداد پادشاه پونت.
- زد و خورد و پیمان با رُم، جایی که پادشاهان ارمنستان تاجگذاری می کردند. (نرون)

بعد از میلاد
۳۰۱-۲۸۸- قبول رسمی مسیحیت در ارمنستان.
۳۰۱- اشکانیان مسیحی(۷).
۳۸۷- مامیکنیان و ساسانیان. (تقسیم پادشاهی ارمنستان بین پارس و بیزانس)
۴۰۵- اختراع حروف ارمنی توسط مسروپ ماشتوتس.
۶۳۶-۶۳۴- لشکرکشی اعراب.
۸۸۶- پادشاهی باگراتونی.
۱۰۰۰- بازیل دوم در بیزانس- ارمنستان ۱۸ امپراتور و امپراتوریس به بیزانس داد، «خاندان مقدونی»
۱۰۴۵- لشکرکشی ترکهای سلجوقی.
۱۰۶۴- تصرف و ویرانی آنی بدست الب ارسلان.
۱۰۷۱- پایان استقلال ارمنستان.
- تاسیس پادشاهی ارمنستان جدید در کیلیکیه.
- کمک به صلیبیون، دختر بودوئن بایک شاهزاده ارمنی ازدواج نمود.
- پیمان های متعدد با خاندان های فئودالی فرانسه که ۵۰ تا از آنها شناخته شده است.
۱۲۲۲- لئون اول، بخشایگر، پادشاه کیلیکیه ارمنی، باسیبیل دختر آموری لوسینیان پادشاه قبرس ازدواج کرد.
- ایزابل دختر آنها، که وارث تحت پادشاهی گردید، با یک فرانک بنام فیلیپ انطاکی ازدواج کرد. شخص اخیر موافقت همسرش را برای سلطنت مشترک جلب کرد (۱۲۲۳).
۱۳۹۳- لئون پنجم، آخرین پادشاه ارمنستان جدید، از خاندان لوسینیان پواتو (فرانسه) در قصر پادشاهان فرانسه در سنت دنیس دفن گردید.

ت) مورخین غربی و ارمنستان

بسیاری مورخین غربی (فانسوی، آلمانی، روسی، انگلیسی) در مورد تکامل مردم ارمنی تحقیق و مطالعه کرده اند. مهمترین آنها را می توان چنین نام برد: آدونتس، آلیشان، باخمان، بروسه، گریم، گروسه، هوبشمان، لانگلوی، لینچ، ماکلر، مار، میله، ژاک دو مورگان، نانسن، کنتس اواروف، توکارسکی، فیدیت.

ث) مناسبات ارمنستان و غرب

روابط بین ارمنستان و کشورهای فرانک یکی از جالبترین فصلهای نو شناخته مناسبات شرق و غرب را تشکیل می دهد.

از هنگام شکل گیری خصوصیات نژادی ارمنیان (از سده دوازدهم تا ششم ق.م.) ارمنیان در صدد ایجاد ارتباط با کشورهای غربی بویژه یونان و روم، مراکز عظیم تمدن بر آمدند.

این مناسبات از یک سو بر اثر برخوردها، لشکرکشی ها و جنگها و از دیگر سو به موجب تجارت و تبادلات فرهنگی ولی نه برای ترویج اعتقادات گوناگون بوجود آمدند.

ارمنستان نقش مهمی در صحنه جنگهای یونان با پارسیان و پارتیان من جمله در زمان فتوحات اسکندر کبیر، در جریان حکمرانی پادشاهان سلجوقی و سپس در اثنای لشکرکشی های روم بازی می نمود.

اصل تراکیا- فریژیائی آنها، تمایل ایشان به منطق یونانی، باعث جذب هر چه بیشتر آنها به ملل غربی و تمدنشان گردید. به همین جهت شاهزادگان ارمنی در روم و آتن تربیت می گردیدند. ارمنستان توجه دول فاتح را جلب کرده بود لذا آتن و روم آنها را بعنوان هم پیمان خود در پاسداری از تمدن غرب در خاورزمین همچون صلیبیون که بعدها کار تبلیغ مسحیت را در شرق انجام دادند، مناسب یافتند. این سنت توسط پاپ های ادامه یافت و امروزه نیز پا بر جاست.

لیکن به بیان دقیقتر، مناسبات میان ارمنستان و اکثر کشورهای بزرگ و بویژه فرانسه از اوایل مسیحیت آغاز می گردد.

در واقع ارمنستان اولین کشوری بود که مسیحیت را بعنوان مذهب رسمی پذیرفت (در ۳۰۱ میلادی). بنابراین ارمنستان خیلی زود از مذهب و تجارب مراسم عبادت و آداب و سنن دینی که در بین معاصرینش نادر بود برخوردار گردید. گریگور روشنگر مقدس که ارمنستان را به دیانت مسیح بشارت داد، کلیه آثار بت پرستی را بطور سیستماتیک نابود ساخت. تقریبا" تمام شاهکارهای معماری و مجسمه سازی یونان و رم از بین رفتند. با این وصف، این عمل سبوعانه باعث تولد معماری مذهبی جدیدی گردید و ما را بر آن داشت تا شاهکارهای گذشته را به فراموشی بسپاریم.

تا آن موقع معماری ارمنی تحت تاثیرتمدن اورارتو قرار داشته و آمیخته با ویژگی های آشوری، کلدانی و حتی سومری بود. ایران، پارتها، ساسانی ها، هیتی ها، مصر، سوریه، یونان، روم و سپس بیزانس اثراتی بر معماری ارمنی گذاشته اند.

اگر چه معماری ارمنی تحت این تاثیرات شدید قرار گرفته است، ولی باید چیزی جدید برای میثاقی نو خلق می نمود. این مطلب سرآغاز ایجاد هنری مستقل و معماریی که از مکاتب گذشته سود برده ولی دارای یک ساختار اصیل گردیده بود، می باشد. در تاریخ معمای بندرت چنین وحدت مفاهیم و چنین تکاملی در اجرا مشاهده شده است. همه چیز به مقتضای احتیاجات، طرح و مهمتر از همه تکنیکهای ساختمانی است. هر جزء نقش خود را در استحکام بنا ایفا کرده و توازن نهایی، نتیجه حل مسائل تکنیکی می باشد. هیچگونه دکوراسیون زائد و بی معنی بچشم نمی خورد. تقید، صرفه جویی، استحکام، تداوم، وحدت مفاهیم از ویژگی های معماری مذهبی ارمنی از قرن چهارم میلادی می باشند. بعلاوه، معماری مجبور بود تا مسایل جوی، زلزله و نیز لشکرکشی را بعلت در معرض قرار گرفتن این سرزمین در مسیر لشکرکشی ها و برخورد ها در نظر بگیرد.

ما تاثیر میراث یونانی را از نظر منطق و استحکام در کیفیت آن تصدیق می کنیم. این معماری بر اساس وحدت و توازن کامل بتدریج در کشورهای غربی گسترش یافت و به این بخش از آسیا نیز رخنه کرده میثاق جدیدی را جستجو نمود. آسیای صغیر، از ارمنستان تا قسطنطنیه «رزمگاه کلام الله» بود و اسقفها و کشیشان معروف کلیسا برای تبلیغ مسیحیت می آمدند. نویسندگان بزرگ مسیحی، مفسرین کلام الله، اسقفها و کشیشان مشهور کلیسا از این منطقه می آمدند. (بازیل مقدس، گریگور مقدس نازیانتس و غیره) نخستین هشت شورای کلیسا در آسیای صغیر یا در اکناف مرزهای آن بشرح زیر تشکیل شدند. شورای نیقیه در ۳۲۵، شورای قسطنطنیه در ۳۸۱، شورای اِفسس در ۴۳۱، شورای خالسدون در ۴۵۱، دومین شورای

قسطنطنیه در ۵۵۳، سومین شورای قسطنطنیه در ۶۸۱، دومین شورای نیکایی در ۷۸۳، چهارمین شورای قسطنطنیه در ۸۸۹. بعلاوه کلیسای ارمنی سرپرستی مونوفیزیت ها(۸) و نسطوریان (۹) (سده ششم) سوریه را نیز بعهده داشت(۱۰).

جمعیت پولس در ارمنستان منشاء یافت. هدف تعلیمات آنها برگرداندن مسیحیت به سادگی و بی آلایشی انجیلی و رواج این حکمت به سراسر گیتی بود. فلسفه پولسی با پیوند نزدیکش با مانویت در سده هفتم میلادی، علی رقم تعقیب های شدید در شرق و در غرب، جایی که باعث بوجود آمدن اعتقادات «والدوس»، «آلبژس» و «کاتارس» گردید، گسترش یافت (سده های ۹، ۱۲ تا ۱۴). هنوز نکات مبهمی برای مورخین وجود دارد و تاثیر ارمنیان بر کشورهای غربی باید روشن تر گردد.

طبیعی بود که غربیان در جستجوی اولین تعلیمات مسیحیت در این بخش از گیتی باشند. پس از چندی تماس بین مقامات مختلف مذهبی بوجود آمد. پدران روحانی کلیسا به منظور ایجاد جماعتهای مذهبی و پیشنهاد احداث کلیساها و صومعه ها به غرب سفر کردند. راهبان رموز عبادت و تدین را با خود به همراه آوردند. استادان صنعتگر، کارگران و معماران عضو فرقه «معماران ماهر»(۱۱) برای ساختن «معابد» مذهب جدید فرستاده می شدند. در قرون وسطی این کارگران اغلب «شرقی»(۱۲) یا «سریانی»(۱۳) نامیده می شدند و شمار کثیری از آنها ارمنی بودند.

بعدها در جریان جنگهای صلیبی این تماسها در هر دو جهت توسعه یافت راهبان غرب رسالتی را که آغاز شده بود ادامه می دادند و ارمنیانی را که از بیم لشکرکشی های ترکهای سلجوقی فرار می نمودند با گرمی می پذیرفتند.

در عین حال، تبادل فرهنگهای مختلف باعث گسترش بیشتر مناسبات گردید. پدران روحانی کلیسای ارمنی نگهبانان پرارزش ترین اسناد ادبیات مسیحی بودند. ایشان اینها را ترجمه کرده بودند.

گاهی اوقات که متنهای اصلی گم و یا نابود می شد، این ترجمه ها و مدارک ارمنی بکار نویسندگان بزرگ آن عصر و گنجینه تفکرات باستانی کمک می نمودند. تجار ارمنی که به سواحل مدیترانه مسافرت می کردند، این ثروت را به کشورهای مقصد می بردند.

این عوامل بطور کلی باعث ایجاد ارتباط با غرب و بویژه فرانسه، کشوری که سرمنشاء صلیبیون بود، می شد. از سده چهارم تا اواخر قرون وسطی آثار مهم و دیرپایی روی صومعه های فرانسه وجود داشت ولی اینها سریعا" به فراموشی سپرده شدند.

۱- دیدگاه غرب در قبال معماری ارمنی

سقراط: منطقی است فکر کنیم که خلقت انسان یا به اقتضای ساختار بدنش انجام گرفته است و این اصلی است که ما آنرا اصل سودمندی(۱۴) می نامیم و یا به تناسب روحش بوده است که به مسئله زیبایی ختم می گردد. ولی علاوه بر اینها او که می سازد و یا خلق می کند اجبارا" با بقیه جهان و جنبش طبیعت که مداوما" آنچه را که او انجام داده است ویران یا تباه می کند یا نجات می دهد، مواجه می شود. اجبارا" یک اصل سومی هم مورد شناسایی قرار می گیرد که بر اساس آن او سعی می کند با کارهایش در ارتباط باشد و مقاومتی بیان می گردد که او می خواهد آنها را به سرنوشت ویرانگر بسپارد.

فادروس: این ها مهمترین مشخصات اثری کامل هستند.

سقراط: فقط معماری احتیاجشان دارد و آنها را به عرش می رساند.

فادروس: من آنرا کاملترین هنر می دانم.

پ. والری «اوپالینوس معمار»

* * *

حال کمی مفصلتر به معماری ارمنی بپردازیم کـه آوازه شـاهکارهایش مخـصوصا" هنـر مـذهبی از مرزهای کشور کوچک پا فراتر نهاده و مورد توجه جهانیان قرار دارد. ارمنستان بـا قـرار گـرفتن در نقطـه تلاقی تمدنهای بزرگ شرق و یونان، خیلی زود در سده سوم از مسیحیت اسـتقبال نمـود.از همـان اوان ایـن کشور نمونه های برجسته ای از معماری مذهبی خلق نمود که شهرت آن به جهان شناخته شده نفـوذ کـرده هنر رومانسک و گوتیک را تحت تاثیر قرار داد. ما از خوانندگان خود در خواست می کنـیم تـا نظـری بـه طرحها و تصاویر بیانگر و روشنگر مطالب صفحات قبل بیفکنند تا صفحات بعدی بیشتر قابل درک باشد.

بعنوان مقدمه میل داریم از مولفین متعدد غربی که توانسته اند برای اولین مرتبـه معمـاری ارمنـی را مورد تحقیق و مطالعه قرار دهند، نام ببریم: لینچ، سیاح مشهور انگلیسی و نماینده یورکـشایر در پارلمـان در سال ۱۸۹۸ از ارمنستان دیدار کرد و در باره ملکه ما، آنی نوشته: «ما اینگونه احساس کردیم کـه در حـضور بنایی مملو از ارزش بزرگ هنری قرار داشتیم که نشانگر سطح فرهنگی به مراتب پرسابقه تر از غـرب بـود (در آن زمان)».

بوردل، مجسمه ساز فرانسوی، معماری ارمنی را چنین تشریح کرد:

«معماری ارمنی چنانکه من در کتاب «گلزار ارمنستان»(۱۵) دیدم، بنظر من یکی از آثاری است که بی اندازه به آن عشق می ورزم».

شارل دیل، نویسنده برجسته هنر بیزانس در مورد کتاب استرزیگوسکی مربـوط بـه معمـاری ارمنـی نکات زیر را در یک سخنرانی در انجمن مهندسین فرانسه بیان داشته است: «حدود ۲۰ سال پـیش پروفـسور مشهور استرزیگوسکی دو جلد کتاب در باره مسئله ای بسیار قابل توجه یعنی معماری ارمنی به زبان آلمـانی منتشر ساخت. مطالعه این معماری، استرزیگوسکی را معتقد ساخت که این معماری «مادر معماری مـسیحی» است. استرزیگوسکی بیشتر از هر فرد دیگـری از هنـر مـسیحی آگـاهی دارد. او نـه تنهـا بخـاطر سـبک مخصوصش به هنر ارمنی علاقه مند گردید بلکه بویژه بدین علت که اساس و پایه هنـر مـسیحی در سراسـر جهان می باشد. من با نظر استرزیگوسکی مخالف نیستم و هرگز از تاکید بر اهمیت معمـاری ارمنـی امتنـاع نورزیده ام».

هنوز در سال ۱۹۱۲، وقتی که مطالعات بر روی این معماری در مراحل اولیـه بـود، فرانـسوا نبـوا در کتابش تحت عنوان «معماری» چنین نوشته بود:

«سبک ارمنی در نواحی گوناگونی رواج یافت و در کشورهای دور دست صاحب نفوذ گردید. ایـن گسترش به خاطر ارزش والای صومعه ها بود که توسط مهاجرت بخشی از ساکنین آنی به مال دریای خـزر، کریمه، گالیسیا، ملداویا و لهستان پس از تصرف شهر بوسیله سلجوقیان (۱۰۶۴) صورت گرفت».

«این معماری فنون ساختمانی خود را به آناتولی سلجوقی، طرحها و استادان مسلمش را بـه روسـیه و دکوراسیونش را به صربستان و ملد- والشیا داد. محتمل است که این معماری تاثیر خود را از سده یازدهم بر مکتب بیزانس نهاده باشد. بالاخره بدون اینکه به نتیجه قطعی و معین برسیم باید این واقعیت را متذکر شـویم که شباهت شگفت آوری از نظر ظاهر کلی و جزئیات بین کلیساهای ارمنی و آثار اروپای دوران شـارلمانی و رومی وجود دارد».

استرزیگوسکی با بحث در باره داخل کلیساهای ارمنی اظهار داشت که آنها «می توانند بعنوان مدل ها و نمونه هایی برای جلب تماشاگران علاقه مند، بخاطر عمق معانی و محتوایشان محـسوب شـوند و ایـن نـه بخاطر غنای تزئینی یا ظاهری است بلکه بعلت توازن حجمها و مفاهیم ظریف فضایی (نور و سایه) می باشد».

افتخار کشف و شناساندن این بناهای مذهبی نصیب سیاحان فرانـسوی گردیـد. آثـار تکـسیر، دبـوا دومونتپرو، ژدومورگان، بروسه، لانگلوی، ماکلر، گروسه، نقش بسیار مهمی ایفا نموده اند. شـوازی، بنـوی و بالتر و ساتی این معماری را با دقت و موشکافی بیشتری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده انـد. دانـشکده هـای

آلمانی، انگلیسی پس از چندی به این جنبش پیوستند. نام گریم، لینچ، هوبشمن، باخمن، استرزیگوسکی، کنتس اواروف، پیتر وسکی و بسیاری دیگران بااین کار عجین گشته است. کتابشناسی مختصر آخر این کتاب بیانگر تعداد مولفین سراسر جهان و گسترش علاقه محققین نسبت به این معماری می باشد. طبعا" خود نویسندگان ارمنی هم بناهای تاریخی را مورد شناسایی و ارزیابی قرار داده اند. افرادی چون توروس تورامانیان، غافاداریان، هاروتیونیان، یغیازاریان، هوهانیسیان اکنون در محافل باستانشناسی از شهرت بسزایی برخوردارند.

حال، ما باید مطالب قبل را با چکیده ای از مشخصات و خصوصیات کامل کنیم. اوگوست شوازی در تاریخ معماری خود (جلد دوم) در مورد زمینه پیدایش و شکل گیری معماری رمانسک نوشته ای دارد.

تاثیرات. «این هنر در اواخر سده یازدهم وقتی که رهبانتی تفوق معنوی بدست آورده و فئودالیسم در حال شکل گیری بود، ظاهر گردید. آیا تولد آن به مقتضی و ضرورت جامعه جدید بود؟ آیا این تحول و دگرگونی ساده معماری قدیم بود که زمین ما را زنیت داده بود؟ یا اینکه از معماری امپراتوری یونان در آسیا سرچشمه می گرفت؟»

«مسلما" منشاء آن متعدد است. هیچ معماریی از حوزه نفوذ آنچه که قبلا" بوجود آمده و آنچه که در فراسویش وجود دارند نمی تواند گریزان باشد. اما در بین تاثیرات آنچه که برتر و مقدم تر است به شرق تعلق دارد. به عقیده ما ارکان و اجزاء موجود نشانگر زادگاه و منشا آنهاست».

«گنبد ها مطلقا" با سبکهای کلاسیک غربی بیگانه بوده و در معماری بیزانس اصلا" وجود ندارند ولی مدتهای مدید در سوریه و ارمنستان یافت می شدند و اینها هنگامی که صلیبیون تماسهایی با فلسطین (کیلیکیه یا ارمنستان جدید) برقرار کردند و برما شناخته شدند و قبل از نفود به غرب در معماری کلونی(۱۶) سوریه مورداستفاده قرار گرفتند».

راه های ارتباط. «نفوذ بیزانسی از طریق ونیز به طرف شمال تا راین و به طرف غرب تا سواحل اقیانوس انتقال یافت.

رن راه دیگری برای انتقال نفوذ آسیایی بود. آنها حتی از طرف شمال نیز به مارسیده اند. یک راه تجارتی هم بر ما معلوم است که مسیر رودهایی را که به دریای سیاه می ریزند پیموده و به سواحل کشورهای اسکاندیناوی رسیده اند. دزدان دریایی شمال ملزوماتشان را از بازارهای خارجی آسیا بدست می آوردند و در نتیجه حاملین ناخود آگاه نمونه های شرقی بوده اند و ما این مسئله را در مجسمه سازی نرماندی در می یابیم.

شرق، از جهات گوناگون نفوذ خود را گسترش می داد.

بعلاوه یک حرکت و جریان غربی نیز بسوی شرق وجود داشت. حتی قبل از سده دهم، مردم به مناطق مقدسه جذب می شدند. حرکت و عزیمت زوار بوقوع می پیوست که آخرت الامر در نتیجه آن جنگهای صلیبی بصورت حوادث خونینی اتفاق افتاد.

این زیارت ها، ما را بر آن داشت تا با تمدنی عالی تر از ما روبرو شده و باعث شد رنسانس ما تحریک و تشویق گردد».

سبک ارمنی

اصول هنر پارسی که مرکزش به بغداد انتقال یافته بود، باعث پیدایی هنر اصیل در ارمنستان گردید که ذکر آن رفت، این هنر ارمنی از دریای سیاه گذشته در جنوب روسیه و سرزمینهای حوالی دانوب گسترش یافت: سبک کلیساهای روسی، کوهروا، کیف، ولادیمیر و کلیساهای رومانی و بالا تر از همه کلیساهای صربی به مراتب به سبک ارمنی نزدیکترند تا به نوع بیزانسی.

بدین سان سواحل دریای سیاه از ترابوزان تا حوزه دانوب جزو قلمرو هنر ارمنـی در مـی آینـد و در نتیجه تحت تاثیر ایران دوره ساسانی قرار می گیرند.

از آنجا تمام راه های ارتباطی باز گشوده می شود و بدین ترتیب: رود هایی که به دریای سیاه و خزر می ریزند یعنی دانوب، دون، دنیستر و ولگا. حتی امروز، نیز ولگا یکی از راه ها بزرگ تجاری آسیا با مرکز بازگانی نووگورد(۱۷) محسوب می شود. دنیستر به ویستولا و در نتیجه به مرزهای اسـکاندیناوی منتهـی می گردد. در واقع ما می توانیم حضور هنر آسیایی را در نروژ و سوئد و نیز روسیه مشاهده کنیم. طرح یک کلیسای نروژی بیانگر تاثیر عمیق شرقی است.

گسترش این تاثیر در اسکاندیناوی متوقف نگشت. سبک تزئینی توسط نورشمن ها(۱۸) بـه طـرف پایین سواحل وسعت یافت و در تزئینات رمانسک انگلیس، ایرلند و نرماندی ظاهر گردید.

چند نمونه از سردر کلیسای بایو(۱۹) عناصر آسیایی را بوضوح بیان می کند: یـک شـیر در کمـین نشسته ایران دوران ساسانی، و طرح پیچیده ای از ارمنستان. برای تاکید بر مقیاس ها و تشابهات، ما جزئیـات معماریی را از پرده نقش دار کوئین ماتیلدا (بایو) در مقابل طرح یک کلیسای نروژی نهاده ایم.

بالاخره در ایرلند، از مدتها قبل مشاهده شده است که بعضی جزئیات تزئینی روزمـره شـباهتهایی بـا سبک تزئینی ارمنی دارند.

بالتروسایت(۲۰)

مسئله منشاء معماری گوتیک مدتهای مدید توجه مورخین را بخود جلب کرده است.

در میان تجارب گوناگونی که در ساختن استادانه گنبدها نقش داشتند، گروه خاصی از بناهـا وجـود دارد که به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته و توجه ما را بخود جلب نموده است. بناهایی وجود دارند که سقف آنها توسط مجموعه ای از قوسهای متقاطع که سقف ها یا گنبدهای سنگین را نگه می دارنـد پوشـیده شده است. این شیوه در اواخر سده دهم و اواخر سده یازدهم در منطقه آنی و سراسر پادشاهی مـسیحی آسـیا رایج بوده است. اینها موقعی شاخته شدند که این معماری در اوج خود بود و می توانست از گذشته درخـشان خود بهره جوید. بنظر می رسد که تمام مسائلی را که معماری غرب بعدها مطرح کرد، آنها به طریق کـاملتر و ساده تری حل می کنند و این امر باعث شگفتی است که در آن دوران بحرانی وقتی که معمار اروپایی در شرف خلق معماری نوینی بود و حتی گنبد ساده بعنوان پدیده نوظهور تلقی مـی گردیـد، وی از یـک هنـر پیشرفته که آوازه آن در همه جا رخنه کرده بود، استفاده نکرد.

بدین سان ما هم در اوریای غربی و هم در ارمنستان، مجموعه کاملی از بناها با مشخصات مشترک و گرایش های یکسان داریم که بیانگر یک راه حل برای مسائل مشابه می باشند. همان مسئله ای که عبارت از چگونگی پوشاندن سقف با قوسهای متقاطع بود، هم در غرب و هم در شرق ظاهر می شود. ما متوجه ظهـور تغییرات طرح و جزئیات ساختمانی متشابهی می گردیم. ما تقریبا" به این عقیده و نظر رسیده ایم که هـر دو مجموعه به یک گروه ابنیه و یا حداقل به یک سیکل پدیده های سبکهای متشابه تعلق دارند. با وجود این نه در طرز عمل و نه در ساخت قیاسی وجود ندارد.

سیستم در ارمنستان بنحو کاملا" منطقی گسترش می یابد.

مسئله کاملا" با آنچه که در غرب، جایی که اولین کوششها عجولانه و با آشفتگی انجام گرفت، بـود تفاوت داشت.

۲- پیدایی نفوذ و اعتبار هنر ارمنی

مدتها مدید چنین گمان می رفت که معماری ارمنی شاخه ای از معماری بیزانس است. پیشرفت شایان توجهی در نیمه اول قرن بیستم صورت گرفت. بناهای ارمنستان مورد بازدید، تشریح و اکتشاف جمعی از سیاحان و باستانشناسان غربی قرار گرفت.

کتبی که توسط تکسیر، دوبوا، مونتسپرو، لینچ، گریم نوشته شد به انتشار و شناسایی آن کمک نمود. با این وجود، مطالعه و تحقیق منظم نمونه های گوناگون این معماری توسط ت. تورامانیان و استرزیگوسکی انجام گرفت که رد نتیجه این معماری ناشناس به جهانیان معرفی گردید. نویسندگان غربی اذعتن داشتند که هنر شقی در رشد و توسعه معماری رمانسک و گوتیی تاثیر گذارده است ولی این نظر آنها از روی جزئیات جغرافیایی و تعمق در وجوه مشترک و حتی شناسایی بعضی از عناصر نبود.

استفاده از قوسهای نعل اسبی و نوکدار مدتها قبل از استعمال آنها توسط اعراب یا معماران هنر رمانسک و گوتی، در ارمنستان رواج داشت. شوازی که از معماری ارمنستان رد قبل از سده دهم چیزی نمی دانست، نفوذ مجسمه سازی و حجاری ارمنی از طریق راه های طبیعی انتشار و مسیرهای بازرگانی به سراسر کشورهای غربی تا اسکاندیناوی و ایرلند را مورد مداقه و بررسی قرار داد.

با این وصف، مشکلات دسترسی و مسافرت به ارمنستان و فقدان اسناد و مدارک، غرب را در یک حالت عدم اطلاع و بی خبری نگهداشت که باعث شگفتی ماست.

در سال ۲۸۸، مسیحیت بعنوان مذهب رسمی ارمنستان شناخته شد(۲۱). در آن زمان در امپراتوری روم و شرق نزدیک پیروان آئین مسیح مراسم خود را در خفا- در غارها، دخمه ها و سردابه ها- انجام می دادند و فقط در سال ۳۱۳ بود که امپراتوری روم مسیحیت را بعنوان مذهب دولتی (رسمی-م.) قبول کرد.

ارمنستان اولین کشوری بود که معابد بت پرستی را در هم شکست و کلیساهای مسیحی را جایگزین آنها ساخت. گریگور مقدس روشنگر، بنیانگذار کلیسای ارمنی مسئول و عهده دار این امور بود. بعضی از معابد که به شکل مستطیل یا بازیلیک بودند نجات یافته و تبدیل به کلیسا شدند.

این بناها که در اوایل دوران مسیحیت ساخته و یا تبدیل شده اند هنوز موجود هستند. پی بردن به تاریخ بنای آنها از روی متون، نوشته های خطی یا مقایسه جزئیات سبکها آسان گردیده است. در حالی که نمونه های قلیلی از معماری دوران مسیحیت وجود دارند که مبین چنین اطمینانی در مورد منشاء و تاریخ احداثشان هستند.

این امری انکار ناپذیر است که آثار عظیمی که در پهنه قلمرو ارمنستان مظهر یک معماری عالی و اصیل بوده و علیرغم تاثیراتی که برخود قبول کرده اند، ظریف، متنوع و اصیل می باشند.

خصوصیات این هنر تکامل یافته و عالی که آنرا به روح سازندگی یونانی نزدیک می کند، اکنون بر همه شناخته شده است. معماری ارمنی به حق شایستگی جلب توجه و علاقه باستانشناسان را دارد چنانکه هنر بیزانس، رمانسک و گوتیک هستند.

ملل قلیلی هستند که می توانند به یک معماری افتخار نمایند که به چنین حد تعالی و پاکی، مفاهیم دقیق فن معماری، تکنیکهای ساختمانی، مفاهیم مقیاسها، هماهنگی و توازن حجم ها، کارآیی عناصر عامل، المانهای تزئینی مخصوص به خود، رسیده باشد.

وضعیت جغرافیایی ارمنستان به گونه ای است که ساکنین آن متحمل مهاجرت های زیادی شده اند، چنانکه لشکرکشی های بزرگ یکی از انگیزه بود. با اسکان یافتن اقوام هوری- میتانی، اقوام ما قبل میتانی و هتی، هتی ها، نائیری، هایاسا و اورارتو در آنجا، این سرزمین مورد تاخت و تاز فریگیان ها، پارسیان (مادها و هخامنشیان)، یونانیان (اسکندر کبیر)، سلوکیان، رومیان و سپس اسکیت ها، ساسانی ها، بیزانس ، اعراب و ترکهای سلجوقی و هجوم و حملات متعدد تاتارها و مغولها قرار گرفت.

حتی در زمان های بسیار قدیم، اقوام ساکن در بین النهرین، سومریان، اکدیان، کلـده ایهـا، بابلیهـا و آشوریان برای پیدا کردن مس و طلا که در حوضه رسوبی دجله و فرات یافت نمی شد، به کوههای ارمنستان می آمدند.

این تهاجمات مختلف و تماسهای دائمی که متعاقبا" بوقوع پیوستند تاثیر قابل توجهی بر روی تشکیل و شکل گیری ملت ارمنی و معماری اش نهادند.

ارمنستان با کشورهای آسیای صغیر و سوریه شمالی روابط فرهنگی و معنـوی داشـت. کـاتولیکوس نرسس (از ۳۴۰ تا ۳۷۴) یکی از مریدان سنت بازیل قیصری بود و ارمنستان در سده های میانـه مهاجرنـشین های متعددی در سوریه داشت. (از نوشته ها ی بنوی- «تاریخ معمـاری شـرق در قـرون وسـطی و جدیـد). بنابراین اینها تاثیرات سوری بودند. از سوی دیگر این کشور مرزهای بازی در برابر نفوذ تاثیرات آنـاتولی و بین النهرین- پارسی داشت. موقعیت استراتژیکی ارمنستان هدف و انگیزه کشمکش دائمی دو قدرت همسایه یعنی امپراتوری ساسانی و بیزانس بود. پیوند سیاسی و فرهنگی مستحکمی میان ارمنـستان و بیـزانس وجـود داشت که آنرا در حوزه نفوذ هلنیستی قرار داده بود. از قرن پنجم تا هفتم اکثر پاتریارک ها که زمـام امـور کلیسای ارمنی را در دست داشتند، در کشورهای بیزانس و بـه همـان گونـه کـه تیگـران پادشـاه سلـسله آرتاشسیان در دربار روم تربیت گردید تعلیم می یافتند. (تیگران دوم توسـط نـرون صـاحب تـاج و تخـت پادشاهی ارمنستان گردید).

تماس دائمی با دو قدرت بزرگ تاثیر اجتناب ناپذیری بر روی معماری ارمنی نهاد که در عین اینکه از هر دوی آنها متاثر گردیده بود، آنها را تکامل بخشیده و باعث تولد و پیدایی نمونه های تحسین برانگیزی شد که در عین حال از اصلیت کامل برخورد دارند. این تاثیرات می توانند به دو مرحله تقیسم شـوند. عقیـده کلی بر این است که تا سده هشتم تاثیرات اصلی و عمده از جانب آسیای صغیر، سوریه و بیزانس و از سـده دهم از طرف بین النهرین- پارس، تمدن ساسانی و اسلامی بوده اند. احتیاج به ذکر نیست که ارمنستان نیز به نوبه خود همسایگان و برخی کشورهای دیگر را تحت تاثیر قرار داد که خـود اولـین الهامـاتش را از آنـان گرفته و حتی بعضی المانها را تکامل بخشیده و مجموعه های برجسته ای را خلق نموده بود.

تاثیر روی معماری ارمنی از جانب کشورهای هم مرزش یک موضوع بحـث وسـیع در اولیـل قـرن بوجود آورد. بویژه آنکه تاثیر عظیم معماری بیزانس و بالعکس، مطالب بسیاری را برای بحث مطـرح نمـود. دنیای محققیین مدتهای مدید در مورد روابط متقابل این دو هنر همسایه که پیوندهای مستحلکی با هـم دارنـد دچار الهام بود. علل مهم این ابهام کمبود اسناد، نقشه ها وبررسی های کاملا" دقیق بود.

بدون پرداختن به بحث اصلی، اجازه دهید دو نقطه نظر اصلی را به اختصار بیان نمائیم:

از یک طرف، تورامانیان، استرزیگوسکی، بالتروزایتس و ... تاثیرات شرق ایران، پارت، پارسـیان و حتی سومر بر روی معماری ارمنی را تصدیق نموده اند. با در نظر گرفتن اینکه خلق ارمنی قادر به اسـتفاده از این تاثیرات و تطبیق آنها با نیازها، خاک و آب و هوایش بوده، می توانست معماریش را با استفاده از سنگ ایجاد کند در حالیکه الگوهایی که به آن الهام داد غالبا" از خشت های پخته یا خشک بود، این مطلب را می توان گفت که آنها اثری اصیل خلق نمودند.

از طرف دیگر، ش. دیل، میله، شوازی و گرابار و.. در حالیکه عقاید فوق الذکر را قبول دارند، چنـین می اندیشند که تاثیر یونان و روم مهمتر است و پیوندهای نزدیک میان ارمنستان و بیزانس را در نظر دارند.

احتمالا" هر دوی این مکاتب به دلایل گوناگون هم صحیح و هم اشتباه هستند. ولـی ایـن مطلـب از اهمیت کمتری برخوردار است. آنچه که ما در می یابیم در واقع معماریی است کامل و منطقی، از مفاهیم و تکنیکهای ساختمانی گرفته تا کوچکترین جزء تزینی، که نفوذ و تاثیر غیر قابل منازعه ای بـر کـشورهای غربی نهاده است. بناهای مذهبی ارمنستان نمونه های زنده ای برای کشورهای متعدد محسوب می شوند».

«همان واقعیتی که می توان تاثیرات گذشته را بوضوح تمیز داد، دلیل قاطعی بر اصالت این هنر است و مبین نبوغ اصیل فرزندان هایک است».

بر طبق نظر م. دو مورگان، «کاربرد گنبد قبل از مورد استفاده قرار گرفتن آن در غرب، بـرای ملـل آسیایی شناخته شده بود. نمونه های زیبایی می توان در بناهای مصری مربوط به خاندان های حکومتی بـسیار قدیم پیدا نمود. سپس ساسانی ها نوع نینوایی آنها را با تاق استحکامی گوشه سقف تکامل بخشیدند و مسقف نمودن یک سطح چهار ضلعی را ممکن ساختند. آنها با استفاده از مواد کوچک و غیر منتظم، حتی گنبـدهای بیضوی بلند با یا بدون استفاده از قالب چوبی، می ساختند که این تکنیک سرمنـشاء تـاق- قوسـهای همـوار بحساب می آید. ساسانیان اهمیت ویژه ای برای اجراء تزینی قایل می شدند و از اولین کسانی بودنـد کـه از پولیکرومی(۲۲) استفاده می نمودند. این تاثیرات بعلاوه میراث یونانی و رومی، از عوامل عمده شکل گیـری زیبایی شناسی بیزانسی بشمار می رود»... م. دو موگان ادامه می دهد: « و اگر ذائقه و شیوه هنری قسطنطنیه از جانب شرق، ارمنستان و از طریق مرزهای امپراتوری ساسانی متاثر می شد و اغلب تسلیم آن می گردیـد، بیشتر منوط به همین تاثیرات بود».

مطلب هنوز جامع و کامل نیست، مع هذا قبل از پرداختن به بحث چگونگی نشر تاثیرات از ارمنستان به طرف غرب، اجازه دهید ابتدا نیازها و طرحهای محلی را در نظر گیریم که این کشور را با چنین ابداعیات برجسته ای در بر گرفته است. سپس ویژگی های عمومی، روشهای ساختمانی، جاری و روحیـه والای زیبـا شناسی را خواهیم دید که عالی ترین و مترقی ترین تمدنها را مفتخر ساخته است.

۳- شرایط، طرحها و روابط متقابل آنها

الف) موقعیت

ما قبلا" در خصوص موقعیت جغرافیایی ارمنستان صحبت کرده ایم که از شـمال بـه گرجـستان، از شرق به دریای خزر، از جنوب به وادی علیای دجله و از غرب به وادی فرات محـدود گردیـده و قـبلا" تـا آنتی- توروس کشیده می شد. ارمنستان کشوری است در فلات مرتفع که کوههای قفقاز یعنـی مرتفعتـرین رشته جبال آسیای صغیر را با جبال واقع در ایران اتصال می دهد. ارتفاع متوسط آن ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ متر است. کوه آرارات بیشتر از ۵۱۷۰ متر ارتفاع دارد. دریاچه های بزرگی در وادی ها وجود دارند نظیر وان، سوان بـا ارتفاع ۲۰۰۰ متر، ارومیه و غیره. رودهای پر آب و سیلابها در جهات گوناگون جاری هستند و به چـوروخ، کر، ارس، دجله، شعب فرات (قره سو و مرادچای) می پیوندند. آب و هوای قاره ای و متغیر است و بـستگی به منطقه و موقعیت جغرافیایی دارد. این کشور به علت اینکه در معرض بادهای باران ساز دریای شمال قـرار دارد از آب و هوای سخت برخوردار می باشد. با این وجود، حبوبات، درختان میوه و تاک و در وادی پهناور ایروان و ارز روم و در شمال دریاچه های بزرگ به خوبی عمل می آیند. آنها با استادی در فن آبیـاری وبـه لطف وسایل سده، اکثر مناطق لم یزرع را به زمین های حاصلخیز مبدل ساخته اند. کـار و کوشـش آنهـا در روزگار باستان نیز مشهود بوده است. (کانال های آبیاری مربوط به دوران اورارتو هنوز تحت بهره بـرداری قرار دارند). ثروتهای معدنی کشور از زمانهای قدیم استخراج می شده است. معدن نمک، مس و طلا در دنیای قدیم معروف بود و در حال حاضر نیز بطور گسترده توسعه یافته است.

بدین سان ارمنیان مجبور بودند در برابر دشواری های مربوط به آب و هوا مبارزه کنند و بناهایشان را از بلایا و ویرانی های زمانه و طبیعی محفوظ نگهدارند. آنها خوش اقبال بودند زیرا مصالح سـاختمانی مـورد نیازشان را در دسترس داشتند. مقادیر هنگفتی سنگهای مناسب برای ساختمان و به آسانی قابـل بـرش و در عین حال مقاوم در برابر آب و هوا و مقادیر زیادی چوب وجود داشت. معهذا این مطلب ارمنیان را از کاربرد توام و تکاملی سنگ و خشت، چنانکه ما در کلیسای کوتاییس شاهد آنیم و بالاتر از همه در استفاده از خرده

سنگها برای پر نمودن شکاف ها و فضاهای خالی، برحذر نمی داشت (نسبتا" شبیه آنچه که در بین رومیان مرسوم بود). معهذا این نمونه ها و مثالها بیشتر استثنا هستند تا قانون کلی.

به امتیازات فوق الذکر باید تلاش هوشمندانه و شدید، ساعی و کاردان را نیز اضافه نمود.

با این حال، معمار ارمنی بالاجبار باید با مسائل متعدد جوی، جغرافیایی و فیزیکی مقابله می نمود و بعلاوه باید بناها را چنان محکم می ساخت تا در برابر ویرانی های ناشی از جنگ ها و لشکرکشی ها مقاوم باشند.

اولین مانعی که باید از سر راه برداشته می شد وضعیت جوی و آب و هوایی نامساعد بود. بطور متوسط، ارمنستان حدودا" سالانه از ۲۵۰ روز آفتابی برخوردار است و در اتحاد شوروی این جمهوری به «کشور آفتاب» اشتهار دارد. در بعضی روزهای تابستانی در اماکن پوشیده بخصوص در دره های تنگ، دما در سایه به ۴۵ درجه سانتیگراد می رسد و از دیگر سو زمستانها در بعضی «گذرگاه ها» یا در برخی جلگه ها که در معرض باد هستند، دما می تواند به ۳۰ درجه منفی سانتیگراد نیز تنزل یابد. این تغییر دمای ۷۵ درجه ای می تواند اثر بسیار نامطلوبی بر کار بنایی بگذارد و معمار بالاجبار باید این امر را در نظر داشته باشد. با این وجود باران بندرت می بارد (به استثنای زمستانها) و هوا معمولا" خشک است و این دو عوامل مهمی در استقامت خوب ساختمانها بشمار می روند.

چنانکه قبلا" دیدیم، سنگ های مرغوب در این سرزمین فراوانند. به غیر از گرانیت و بازالت که در اکثر مناطق بوفور یافت می شود ارمنستان سنگی بنام توف دارد که منشاء آتشفشانی داشته انواعی به رنگهای گوناگون دارد و نسبتا" روشن بوده به آسانی بریده شده و در مقابل عوامل جوی و زمانی مقاوم است. همچنین انواع مختلف مرمر نیز بوفور یافت می شود.

با این وجود اغلب اوقات زمین لرزه های شدید رخ می داده است. این عامل تاثیر مهمی بر روی تکنیکهای ساختمانی نهاده است. ولی خود انسان با جنگها و لشکرکشی های کثیرالوقوعش عمده ترین دشمن شمرده می شد. در واقع بسیاری از کلیساها استحکاماتی محسوب می شدند که از دسترس حملات دستجات مهاجم در امان بودند. کلیساهای جامع هاغبات، ساناهین، گوشاوانک، داتو و برخی دیگر، دژهایی بر قله های صخره ای یا در محلهای تسخیرناپذیر هستند.

ثروت هنگفتی از جواهرات، زیور آلات، منسوجات، البسه، متون خطی، مینیاتور، طلا کاری های موجود در کلیساها، معماران را بر آن داشت آنها را با دیوارهای ضخیم محصور کرده و از شمار و اندازه پنجره ها کاسته و در برابر خطر آتش و زلزله مصون و مقاوم گردانند. منطقا"، کابرد سنگ برای این منظورها بهترین جاره اندیشی بود.

به این مطلب نیز باید اشاره نمود که شاهزادگان حاکم و «ناخارارهای» متعدد وابسته به خانواده های بزرگ اشرافی اغلب گنجینه های خود را در این کلیساها و معابد نگهداری می کردند که غالبا" اطاقهای محکم و شبیه گنجینه های یونانی بودند.

در رابطه با لشکرکشی، اجازه دهید به لانگلوی اشاره کنیم که ماحصل تاریخ را بیان کرده است. او در مقدمه «مورخین باستانی و جدید ارمنستان»(۲۳) می نویسد: « پادشاهی ارمنستان که تاریخش به اعصار باستانی برمی گردد و علیرغم تحولات بیشمار سده های اخیر، سعی در ادامه حیات خود داشته، هرگز در وقایع نگاری آسیا قویا" نمایان نگردیده است. با محصور شدن توسط همسایگان نیرومند خود، در جنگ بی پایان با آنها برای دفاع و حفظ استقلال تهدید شده و سرحداتشان بوده رشد و ترقی شان پیوسته توسط مهاجمین متعدد که کشور را ویران و غارت می کردند دچار اختلال شده متوقف می گردید، ارمنیان هرگز نتوانستند به درجه ای از قدرت که ضامن استقامت و نیرومندی امپراتوری باشد نایل آیند».

با این وجود لانگلوی می گوید: «ادبیات ارمنی یکی از غنی ترین ها و جالب ترین ها در شرق مسیحی بود. نویسندگان ارمنی در سبکهای گوناگون درخشیدند و بسیاری از تالیفاتشان چه منظوم و چه منثور، نشانگر این امر هستند که روحانیون محلی نفوذ مذهبی عمیقی بر مردم داشتند با این وجود ادبیات آنها به مراتب غنی تر از ادبیات ملل مسیحی آسیاست.

تقریبا" در تمام دوره های تاریخ این ملت مطالعات تاریخی انجام شده است این امر که یکی از کارهای مقدم و مطلوب نویسندگانشان می باشد. بنابراین اطلاعاتی که این تجزیه و تحلیلهای ملی در مورد وقایع آسیای غربی از اوایل تاریخ مدون تا زمان حال به ما می دهند، یک سری بلاانقطاع از اسناد بسیاری مهم را تشکیل می دهند که وقایع کشورهای همسایه را در سکوت مرور می نمایند. در واقع اطلاعاتی که مورخین ارمنی در مورد جنگهای مذهبی خود با ایران و راجع به لشکرکشی های اعراب و مغولها، حضور صلیبیون در آسیا به ما رسانده اند پرتو جدیدی را با وضوح غیر قابل انتظاری بر تاریخ شرق در سده های میانه می افکند».

ولی در بین هنرهای ارمنی باید بر معماری تاکید داشت که از شوه های فوق العاده اصیل و ویژگی های پراحساسی که ناشی از شوه های منطقی ساختمانی و اصول زیبایی شناسی می باشند. برخوردار بوده و این امر بدون شک تحسین برانگیز است.

ب) طرحهای ساختمانی، مشخصات

ما در واقع از دوران بت پرستی چیزی نمی دانیم.

طراحی شهری، هنر خلق و ایجاد شهرها، آثار متعددی برای ما بجای نهاده است که مورد مطالعه قرار گرفته اند. اجازه دهید به بررسی خرابه ها و آثار شهرهای آنی، آرماویر و دوین بپردازیم که بواسطه رشته و ردیف خانه هایشان مشخص هستند و نیز شهرهای استحکاماتی ماغاسبرد و تیگنیس را مورد مطالعه قرار دهیم.

آثار معماری شهری قلیلند. در مصر، آشور و کلده خانه های مسکونی از مصالح سبک و غیر مقاوم ساخته می شدند که دوام نیافته اند. همین مطالب در مورد خانه های شاهزادگان صدق نمی کرد زیرا قسمت اعظم خانه هایشان از سنگ ساخته می شد که در برابر آب و هوای نامناسب و زلزله ها مقاوم بود. لذا ما می توانیم خرابه های کاخ زوارتنوتس و دوین را مورد تحسین و مطالعه قرار دهیم. قصر پادشاهی آنی نیز به خاطر الهام شرقی، طرح زیبا و تنوع شیوه ها حائز اهمیت است.

با این وصف، شکوه و جلال عمده معماری در شمار قابل توجه و کیفیت عالی بناهای مذهبی است که سرتاسر قلمرو ارمنستان را می پوشانند. بنابراین بخاطر کلیساها، معابد یا بود و آثار قبور مسیحی است که ارمنستان از شأن و مکان والا و محترمانه ای در تاریخ هنر برخوردار است.

بناهای مذهبی ارمنی دارای ترکیب متمرکز ستاره شکل می باشند. این بدان معنی نیست که طرح های بازیلی دارای صحن دراز و گسترده نیستند. ولی حتی در صورت اخیر نیز تمایل چشمگیری بطرف ترکیب مرکزی وجود دارد که در میان صحن و جناح کلیسا و سایر قسمتهای استادانه درست شده که حاکی از نبوغ اختراعی معمارند، بچشم میخورد. مشخصه دیگر کلیساهای ارمنی که کاملا" با بناهای قدیمی بت پرستی متفاوت است، استفاده تقریبا" سیستماتیک از گنبدهای مخروطی می باشد که معمولا" با سنگهای بریده و تراشیده شده ساخته شده اند. معماران ارمنی علاقه وافری نسبت به تکامل و تعالی کار خود داشتند. آنها سنگهای زبر و زمخت را با مهارت کامل خود می توانستند تراش و برش دهند. دانش استروتومی(۲۴) آنها- یعنی هنر برش سنگ- بسیار مترقی بوده از ویژگی های زیبایی شناسی تمام کارشان پیشتر بود. از سده ۴ تا ۱۲ تعداد نامعینی کلیساها و عبادتگاها و کلیساهای کوچک ساخته شدند. احساس عمیق مذهبی وجود

داشت و روحانیون در اوج قدرت بوده، جنگهای کثیر الوقوع مذهبی، شور و حرارت هواداران را برمی انگیخت. اگر کسی این مطلب را نیز بیفزاید که اکثر کلیساها و صومعه ها برای اهداف دفاعی مثل پناهگاه و حتی بصورت استحکامات در جریان محاصره ها نیز استفاده می شده اند، این امر اهمیت طرحهای بناها را بهتر مشخص خواهد نمود. چنانکه آثار و بقایای پرارزش نشان می دهند مگر آنی شهر هزار و یک کلیسا نبود؟ ولی نکته مهمی را باید متذکر شد: کلیساهای ارمنی دارای ابعادی کوچک بودند. کلیسای جامع اجمیادزین مساحتی را حدود ۲۹ در ۳۳ متر اشغال کرده است و کلیسای آنی بزرگتر از ۲۰ در ۳۲ متر نیست (با در نظر گرفتن حداکثر ابعاد آن). لذا این نظر نیز معماری ارمنی از معماری کشورهای همسایه اش متفاوت بود. معماری ارمنی در پی آن نبود که اثری را با چیزهایی که ما آنها را عظمت مادی می نامیم، خلق کند، چنانکه مصریان قبلا" انجام داده بودند و معماران کلیساهای گوتیک بعدها در صدد آن برآمدند. برای او سه مطلب حائز اهمیت بود:

۱- صمیمیت بسیار زیاد در بنا و ساخت. هر عنصری نقش خود را در استحکام بخشیدن به ساختمان ایفا می نماید. انتخاب پوشش سقف، استفاده از نوع مخصوصی از قوس یا گنبد، به مقتضای نیازهای ویژه طرح صورت گرفته است.

۲- اثری تام و کامل. کاری زیبا و برخوردار از تکامل واقعی، روح منطقی و متدیک این کوهنما را ارضا می نماید.

۳- نیاز به تکامل زیبایی شناسی، که احساس و ظرافت مجموعه آثار از آن می تراود و بیانگر یکی از ویژگی های اساسی معماری ارمنی است. این بررسی اشکال خارجی با خود مطلب دیگری نیز به همراه دارد که ما می توانیم آنرا نفس پرستی شرقی بنامیم که به هیچ وجه خارج از ظرافت و محتوای عالی فنی نیست.

لیکن چندین بنا وجود دارند که مجموعه و ساختمان آنها تماشاگر را متحیر می سازد. چه هماهنگی و توازنی حتی در کوچکترین عبادتگاه واقع در گوشه دور افتاده ای از یک استان پیدا می شود که خلوص و احتیاط و ظرافت خطوط، نقش مقیاسها و تباین مطلوب و مناسب سایه و روشن ها را حفظ می کند!

۴- بناهای نمونه

فرم ها و طبقه بندی آنها

معماری ارمنی چه آثاری را خلق نمود؟

چنین محقق شده است که ارمنستان خیلی زود و در ربع آخر سده سوم دیانت مسیح را رسما" پذیرفت. تغییر مذهب امپراتوری کنستانتین که هنر جهانی را متحول ساخت و سیر رشد و ترقی هنر مسیحی را هموار نمود، سالهاپس از قبول این مذهب از جانب تیرداد- اولین پادشاه مسیحی ارمنستان و معاصر گریگور مقدس روشنگر- بوقوع پیوست. پس از آن زمان، نیاز مبرمی به معماری مذهبی احساس گردید. بناهای مربوط به عصر بت پرستی کمتر شناخته شده اند، فقط بقایای قلیلی بجای مانده اند(۲۵). تمام شکوه و جلال معماری ارمنی از زمان معرفی آیین جدید سرچشمه می گیرد و در شاهکارهای بناهای مذهبی چون عبادتگاه ها، کلیساها و دیرها نورافشانی می کند. فعالیت و عملیات سازندگی عمدتا" در سده های چهارم تا سیزدهم صورت گرفت.

زینوب گلاک(۲۶) (ترجمه توسط لانگلوی) در مورد امر گریگور مقدس راجع به بنای یک یاز عبادتگاه های مقدسه تاروین توصیح یم دهد: «وقتی که سربازان بت (دمتریوس) را ویران کرده بودندن گریگور مقدس بنای کی کلیسا نها. از آنجاییکه مصالخ مور لزوم رد آن ناحیه وجود نداشت، او سنهای

تراشیده نشده ار انتخاب کرد، سپس ناحیه با پیدا نمودن مقداری آهک د معابد بت ها، کار ساختن کلیسا را رد همان محل معبد بت پرستی و به همان اندازه ها آغاز نمود».

این مطلب نشان یم دهد که اولین کلیسا ها رد ارمنستان همچون بسیاری از کشوها رد آن زمان، رروی همان محلهای معابد دوران بت پرستی ساخته یم شدند. حفاری های اخیر رد زیر کلیساهای جامع اجمیادزین مقدس و دوین و کلیساهایمتعدد دیگر هیچ نقطه ابهامی را رد این باب باقی نمی گذارد.

«بغیر از شکل متمرکز آن، کلیسای ارمنی دارای ویژگی ها مخصوص بخود است و امکانات انجام مراسم مختلف در طرح آن در نظر گرفته شده است به طرق گوناگون چون: وجود تقریبا" الزامی یک هشتی، الحاق یک محراب به کلیسا، مدخل ها و درهای جانبی به ایوانهای کناری- چنانکه در کلیساهای سریانی یافت می شوند و بنظر می رسد که کلیسای سن مارک ونیز از آن الهام گرفته باشد- داخل محراب ها تهی است و غیره». بنا به نظر برخی از نویسندگان، تیپ کلیساهایی به شکل صلیب یونانی یک ابداع صد در صد ارمنی است — که کلیسای جامع اجمیادزین نمونه بارز آن بوده به نظر ما قدیمیترین آنها می باشد. در میان بناهای مربوط به آرامگاه هان فرم ارمنی قبور که اغلب بصورت بناهای یادبود هستند با شکل مدور، چند ضلعی یا چند طبقه خود مشخص می شوند. اینها در بعضی موارد یک هشتی نیز در کنار خود دارند.

در بخش مربوط به وقایع تاریخی بناها ما اشکال و فرمهای مختلفی را بررسی کردیم که با توه به طرحهایشان متغیر و متنوع می باشند.

می توان یک طبقه بندی مختصر در مورد این فرمهای گوناگون صورت داد. مع الوصف این امر باید ذکر گردد که اکثر بناها در طول اعصار تغییر شکل یافته و یا به آنها قسمتهایی اضافه شده اند. مثلا"، به کلیساهای بازیلیک مربوط به سده چهارم احتمالا" چندین گنبد اضافه گردیده است.

فرمهای اساسی

بناهایی که دارای طرح مستطیل شکل هستند

اینهادارای چندین شبستان هستند که معمولا" به محراب کلیسا ختم می شوند. (اِغوارد).

بازیلیک ها

بناهایی کشیده و مستطیل شکل که دارای گنبد یا طاق، ردیف ستونهای دوبل در داخل و سه صحن بوده به محراب نیمه مدور ختم می شوند (دوین).

کلیساهایی که دارای گنبد و اساس مربع شکل هستند

مانند اجمیادزین. گنبد توسط چهار ستون چهار گوش حفظ می شود و روی پایه سه گوش زیر گنبد، طاق استحکامی گوشه سقف یا تکه های استالاکتیت ساخته شده است.

کلیساهایی که گنبدهای آنها دارای مثلث های متحد الرأس هستند

مانند هریپسیمه. بین طاقچه های فرم فوق، چهار طاقچه اضافی جای داده شده اند، در هر گوشه، یکی، و به تناسب طاقهای گنبد مرکزی. ستونهای مرکزی وجود ندارند.

کلیساهایی که دارای تیر حائل طاق نماها بفرم ارمنی هستند

این فرم به چند بخش تقسیم شده است. چنانکه در ماستارا می بینیم، گنبد توسط ۴ تیر حائل که دو تا دو تا روی ستونهای چهار گوش دیوارهای اطراف قرار دارند و یا اینکه ساختمان مدور بود، طاق نماها توسط تیرهایی که روی ۴، ۶، یا ۸ ستون قرار گرفته اند، نگهداری می شوند.

کلیساهای چهار شکافی(Quadrifid)

مانند باگاران. روی چهار تکیه گاه قرار داشته و طاقچه های حائل توسط یک طاق معمولا" پهـن بـه هم متصل هستند.

کلیساهای چلیپا شکل

طاقهای باریک جانشین طاقچه های حائل هستند (مانند لمباداوانک).

کلیساهای ستاره شکل

معمولا" دارای میله های حائل هستند که روی دیوارهای برونی مدور یا بشکل چند ضلعی قرار دارند. طاقچه های میانی معمولا" بشکل مستطیل می باشند تا سنگینی بیش از حد وارده ار بکاهند.

فرمهای میانی

طرح های متنوع، با یا بدون گنبد و بر روی ستون ها یا طاقها.

۵- فنون ساختمانی

باید بطور سریع فنون و ویژگی های ساختمانی معماری ارمنی را مرور نمود. در این بـاب مـی تـوان کتابها نوشت و این امر احتمالا" نمونه های بارز فن بنایی ارمنی را تشکیل می دهد.

ما دیدیم که کیفیت عالی ساختمانی یکی از ویژگی های معماری ارمنی است. برای بناهـا اغلـب از سنگ استفاده می شد و موارد استثنایی قلیلند.

استروتومی، فن استفاده از سنگ با تراشیدن دقیق آنها، در ارمنستان به عالیترین درجه تکامـل خـود رسید. با وجود اینکه ارمنیان ابداع کنندگان المانهای متعدد معماری هستند: مثلا" گنبـد مخروطـی، طاقهـای مخصوص به ارمنیان، طاقچه های مستطیلی شکل، لیکن مدعای اصلی آنها بر شکوه و جلال این معماری، انواع مختلف بناهای با گنبد یا بدون گنبد سنگها بود. که همین امر در تمدنهای قدیمیتر با خشت خشک شـده در آفتاب یا پخته شده صورت می گرفت. تکامل استعمال سنگ ها، ترکیبات ابداعی منتهـی بـه بغـرنج تـرین مسایل، توجه خاص به تمام و کامل نمودن بناها، اندازه های دقیق و ساده بناها مترادف خود را فقط در یونان و مصر یعنی دو تمدن بزرگ پیدا کردند. مع الوصف ایندو، به غیر از موارد استثنایی، از عهـده حـل مـسئله مسقف نمودن توسط طاقها یا گنبدها برنیامدند. در صورتی که اینها در ارمنستان مسایل و تجربیات سـاده ای بشمار می آمدند.

یک بازدید کوتاه از کلیساهای هریپسیمه مقدس می تواند بهترین درس استروتومی برای دانشجویان معماری ما باشد. در اینجا کار اتمام ساختمان و بنا با سلیقه و ذائقه بسیار عالی انجام شده است. پیچیده تـرین مسایل مربوط به مسقف نمودن بناها مثل ایجاد گنبدهای کروی شکل با قوسی خمیده بطور قطـع حـل شـده بود. معمار ارمنی بنظر می رسد، تمام کوشش خود را در تنوع بخشیدن به بناها و استفاده از فنـون مـشابه در عمارات متناظر و گاهی اوقات در همان ساختمان بکار گرفته باشد تا استادی خود را بـه نمـایش گـذارده و درسی به نسلهای آینده بدهد. می توان گفت که او مشکلات را همچون موم نرم در دستانش داشت.

مگر تیرداد، معماری ارمنی نبود که آنی را خلق نمود و برای مرمت گنبد ویـران شـده ایاصـوفیه در سده یازدهم از وی دعوت بعمل آمد؟ امروزه آنانکه از شاهکارهای معماری بیزانس دیدن می کنند شـاید از پیروزی معماری ارمنی مطلع نباشند که مدت ده قرن است به آن دست یافته است.

ارمنیان همچنین اولین ملتی بودند که مدتها قبلا زمعماری گوتیک به اهمیت تیر حائل طـاق نمـا در بناها پی برده و آن را مورد استفاده قرار دادند. آنها از فنون ابداعی مربوط به بناهای اقتصادی رومی نیز مطلع بودند که دیوارهای ضخیم داشته و از دو دیوار که مابین آنها قلوه سنگ و ملاط پر شده بود تشکیل گردیده بود. تمام این ها رعایت شده اند. این مطلب نیز باید ذکر گردد که در بعضی از مـوارد لایـه هـای خـارجی

سنگهای نرم بعلت شرایط جوی از بین رفته و اکنون قسمتهای اصلی و داخلی، ساختمان را سر پـا نگـه مـی دارند.

تاق

مکتب ارمنی خیلی زود اقدام به پوشش ساختمان ها توسط طاقهای دقیق نموده است. طاقها مدتها قبل از معرفیشان در فرانسه در ارمنستان رواج و گسترش داشته اند. اوگوست شوازی در کتـابش تحـت عنـوان «تاریخ معماری» راجع به کلیسای ارمنی نوشت:

«این کلیسا ها از حیث قسمتهای درونی، باطاقها و تیرهای حائل سقف که قوسـهای متعـدد دارنـد، نشان دهنده شباهتی با معماری رومی هستند که تنها توسط یک منشاء و اصل می تواند، توجیح شود».

گنبد مخروطی شکل

گنبدهای ارمنی بشکل مخروط بوده و روی دیوارهای استوانه ای شکل قرار دارنـد. مفـصل کـروی شکل فقط با خشت و آجر براحتی ساخته می شد. برش سنگ مشکلاتی به همراه داشـت و در ضـمن یـک حائل چوبی ضرورت می یافت. از آنجائیکه ارمنیان معمولا" از سنگ استفاده می کردند تا از پیچیدگی امـر بندکشی اجتناب ورزند، آنها فرم مخروطی را برگزیدندکه مسئله را آسان تر می کرد و اشکال حائل مرکزی را نیز برطرف می نمود. توسط این مخروط، مسائل ساختمانی به مراتب آسانتر می کرد و اینها بسادگی مـی توانند از چیده شدن سنگها روی هم ساخته شوند. این شیوه ازسده نهم تا یازدهم رواج بسیار داشـت. ترکـان سلجوقی این امر را الگو قرار داده و غافل از منشاء و اصلیت واقعی، آنها را به شیوه ساختمانی خـشت هـا در آوردند، عملی که منطق صریح ارمنیان از آن امتناع می ورزید.

تاق و تویزه The Ribbed Vault

معذالک برجسته ترین ابدعا معماری ارمنی بدون تردید، طاقهایی بودند که بابلکوهای سـنگ سـاخته شده و توسط شبکه ای از تیرها نگهداری می شوند. بقعه بزرگ آخپات نمونه خوبی است که شـباهت فـوق العاده ای با بعضی قسمتهای پوشش سقفی محراب کوردوا(۲۷) (اندولزی) دارد. تشریح این گنبد ارمنی بدون کمک گیری از یک طرح کاری است مشکل، با این وصف اجازه دهید کلیسای ارمنی ژان گوژون پـاریس را در نظر گیریم که توسط یکی از عموهای بزرگم، اسقف اعظم ژرژاوتوجیان تقدیس شد. طرح این کلیـسا از ژاماتون (Jamatun) الهام گرفته و تحت سرپرستی م.ا. ژیلبرت، آرشیتکت ساختمان های شـهری، و در زمان آرشیتکت افتخاری (م. مانتاشف) بنا گردید.

چنانکه بنوی می گوید، شباهت این اصول ساختمانی با اسا و پایه شیوه گوتیـک، نـشاندهنده تـاثیر قطعی معماری ارمنی بر معماری غرب است.

۶- مفاهیم زیبایی شناسی ارمنی

توام با فنون ساختمانی، مقاسیسه جنبه های خارجی و بخصوص مفـاهیم یـا تـوازن زیبـایی شناسـی کلیساهای ارمنی، شباهت فوق العاده ای را که بین اصول ارمنی شده های چهارم تـا سـیزدهم و شـیوه هـای ماقبل رمانسک و رمانسک وموجود است به ما نشان می دهد. معمار ارمنی علاقه و ذائقه شدید و بدون تزلزلی نسبت به مفاهیم بناهای تاریخی داشت. علیرغم کوچکی نسبی عمارات ارمنی (بزرگترین کلیـساهای جـامع هرگز بیشتر از ۳۵ متر طول ندارند) عظمت و شکوه آنها توسط توازن عالی انـدازه هـا و مقیاسـات و نقـش ماهرانه حجم ها، انسان را تحت تاثیر قرار می دهد.

مفاهیم حجاری

در بین ویژگی های دیگر این معمار ما باید احساسات جدید بدایع ساختمان شناسی را ذکر کنیم. مفاهیم انطباقی و قیاس اندازه ها و حجم ها، هنرمندانه بیان شده اند. یک منشور متوازی السطوح اصلی با یک مقطع مرتفع پوشیده شده است- عاری از شبستان و جناح کلیسا- و بنوبه خود یک استوانه را برخود دارد و سپس یک هرم و تمام اینها توسط یک گنبد مخروطی شکل سنتی تاجدار شده اند. تزئینات و خطوط برجسته سطح ثانی اهمیت مجموعه را تاکید می کنند. تزئینات کنده کاری شد مجموعه ای نقوش نفیس با سایه- روشن های زیبا بوجود می آوردند و در میان کشورهایی که تحت تاثیر ارمنستان و بیزانس قرار گرفته اند، منحصر بفرد می باشند. گرایش به اصل معانی و مفاهیم بطور گسترده در معماری ارمنی رواج یافت و حتی نشان خود را بر کوچکترین آثار و ابنیه نیز نهاد. بطور کلی خطوط بسیار ظریفند. طاقهای زیبا و دقیق، طاقچه های مستطیلی شکل، بامهای دوشیب با دو قسمت که قسمت مرکزی آن نگهدارنده سقف است، پنجره های بلند و تنگ، محرابها و درهای یادگاری، تمام اینها در مفاهیم عالی و ساده آثار نقشی دارند.

«ستون هایی که بطور مجزا بر پا می باشند کمتر مورد استفاده قرار داشتند، از دیگر سو، تقدم و ترجیحی نسبت به استعمال پایه های مربع یا مستطیل شکل وجود داشت. شهرهای عمده رومی ایده خوبی در رابطه با نظایرشان در ارمنستان به ما می دهند: قسمتهای تزئینی گچ بری های زیبا، حلقه های اتصالی بناها، کناره و لبه ها با موتیف های کنده کاری شده یا سبدهایی که روی آنها دقیقا" کار شده، پوشانده شده اند. تزئینات حجاری از ویژگی های هنر ارمنی است. اینها بوفور در تزئین پایه ها و گابل ها و حاشیه درها و پنجره ها مورد استفاده قرار گرفتند. بطور کلی بخشی از آنها از معیار بقیه ابنیه متفاوتند. موتیف های گرفته شده از دنیای جانوران و گیاهان نسبتا" نادرند (بجز آختامار). با این وصف اشکال هندسی بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند: طومارهای منقوش به شکل برگها، نقوشی به سبک عربی، نقوش درهم بافته شده متقاطع، نقوش پیچ در پنچ و بالاتر از همه موتیف هایی که از گلابتون دوزی اخذ شده اند: حاشیه ها، گچ بری های ظریف، گلابتون ها، حلقه ها، گره ها، شبکه ها، هلالها و حاشیه ها و غیره، که همه اینها به نحو غنی خلق شده اند. این موتیف ها بیشتر منحصر بفرد بوده و متعلق به سبک ارمنی می باشند. اینها در هنر رمانسک نیز گسترش یافته اند و ما می توانیم نمونه هایی از فرانسه تا ایرلند بیابیم».

هنر جدید که نظم، تقید، توازن و صمیمیت را ارج می نهد می تواند در برابر معماری ارمنی که همه این خصوصیات را داراست کرنش نماید. هیچ عنصری زائد نیست، هر یک نقشی برای ایفا دارد. ارتباط واضحی بین طرح داخلی کلیسا و نمای خارجی آن وجود دارد. یک نقص مشکوک وجود دارد که احتمالا" بعلت حفظ توازن و تناسب ایجاد شده است که بعنوان مثال انتهای کلیسا را متشابه با مدخل آن گردانیده، محراب ها را توسط طاقچه های V مانند در یک شکل مستطیلی در بر گرفته است. ولی بار دیگر امکانات مورد استفاده در اینجا ساده، با سلیقه مفید و موثر و مانوس هستند، و این تقارن بیش از معمول نیز بدون شک برای مقابله با زلزله های کثیر الوقوع در نظر گرفته شده بود.

با عدم ارضاء توسط مفاهیمی که بوسیله خطوط و قطعه های زیبا، طاقهای ظریف و سبک و نظامی موزون، معمار ارمنی احساس هنرمندانه و پرستشی را با استفاده دقیق و صرفه جویانه از پنجره ها چند برابر نموده است.

قبل از به پایان بردن این مقوله بسیار خلاصه ویژگی ها و خصوصیات معماری ارمنی، اجازه دهید تاثیرات و نفوذ این هنر دیرآشنا از حیث فضا و صمیمی از نظر روحیه، را بر معماری کشورهای مختلف گیتی، مختصرا" مورد بررسی قرار دهیم، شاید علاقه ای که باستانشناسان فعلی بروز می دهند از همین تاثیرات سرچشمه گرفته باشد.

۷- نفوذ و تاثیر معماری ارمنی

«سبک زیبا و ویژه معماری ارمنی نمی توانست بر معماری کشورهای همسایه و بنابراین بر ممالک بسیار دور دست غرب نفوذ نداشته باشد. دو عامل عمده برای این مطلب وجود دارد:

۱- اعتبار کلیساهای ارمنی.

۲- مهاجرت بخشی از ساکنین ارمنستان، بویژه آنی (شهری که در سال ۱۰۶۴ توسط سلجوقیان تصرف شد) به شمال دریای خزر، گالیسیا، ملداویا، والاشیا، صربستان، لهستان و بطور کلی بزرگترین مراکز غرب.

«ارمنستان نه تنها معماری خود را صادر نمد بلکه بعنوان واسطه، هنر پارسی- ساسانی را که مرکزش به بغداد انتقال یافته بود عمل کرد. ما همچنین می دانیم که بعلت حمایتی که از سوی خلفای بغداد از باگرانتونی ها می شد، ارمنستان یک دوران نسبی پیشرفت و رونق را گذراند که در اثناء آن بطور کلی، هنر ترقی و توسعه یافت. گسترش هنر ارمنی از طرف و مسیرهای طبیعی و در درجه اول دریاها و رودخانه ها جریان یافت، سپس سبک معماری گنبدهای مخروطی از دریای سیاه و خزر عبور نموده به سواحل جنوبی، از ترابوزان تا دانوب رسیده و در مسیر رودهایی چون دُن، دنیستر، ولگا حرکت کرد و حتی بعلت نزدیکی ویستولا به دنیستر به اسکاندیناوی نیز رسید. ممکن است تناقض بنظر رسد که بناهای سده های میانه سوئد، نروژ و روسیه شعبه ای از مکتب ارمنی هستند. بعلاوه بنا به نظر شوازی این نفوذ و تاثیر در آنجا متوقف نشد و توسط نورسمن ها انتقال یافته در معماری رماسنک انگلستان ایرلند و نرماندی ظاهر گردید. بویژه در ایرلند جزئیات تزئینی نشان دهنده چنان شباهتهایی هستند که بدون شک منشاء و سرچشمه ارمنی دارند.

«بنابراین، دو جریان بزرگ تاثیرات ارمنی، یکی با گذر از دریاها و ورودها و دیگری با عبور از بیزانس یا سرزمین های دیگر توسط مهاجرین به اکثر ممالک غربی می رسد».

استرزیگوسکی این نظریه را حتی گسترش داده و هسته اصلی هنر مسیحی را در معماری ارمنی می بیند. بنا به نظر وی، ایاصوفیه قسطنطنیه، سن وتیال راونا، سن پیتر رم، قصر شامبر، سن سادیرو میلان، تماما" تحت تاثیر هنر ارمنی قرار گرفته اند. او کلیسای درباری آی- لا- شاپل که توسط شارلمانی بنیان نهاده شد، سن ژرمینی دپره (در حوالی ارلئان، بنا شده در ۸۰۶) را در این طبقه بندی قرار داده است و معتقد است که مقبره تئودور راونا توسط یک معمار ارمنی بنام دانیل ساخته شده است. ما همچنین از پژوهش های اخیر که توسط دانشگاه ایروان صورت گرفته است در می یابیم که لئوناردو داوینچی به ارمنستان مسافرت کرده و مدرک و اسناد متعددی را در مورد کلیساهای مدور و صلیبی شکل و کلیساهایی که گنبد آنها دارای مثلث های متحد ال راس است، با خود به ارمغان برده است.

م. شارل دیل با تایید نظر استرزیگوسکی اظهار می دارد که کلیسای روسی وین و ایاصوفیه، کاریک معمار ارمنی هستند. گابریل میله باستانشناس، اهمیت نفوذ هنر ارمنی بر صومعه های مونت آتوس و بر اکثر کلیساهای یونانی بیزانس را مورد تاکید قرار می دهد.

قسطنطنیه

بسیاری از مقامات عالیرتبه اداری، قضایی و نظامی، ارمنی بودند. ارمنستان امپراتوری شرق را با تعداد قابل ملاحظه ای از سربازان، حقوقدانان، افراد اهل فن، هنرمندان، حکمرانان و حتی امپراتورها غنی ساخت(۲۸). امپراتوری های شرقی: لکاپن، نیسفوروس، فوکاس، ژان تیمیسس ارمنی بودند. در سال ۹۸۹ گنبد کلیسای ایاصوفیه به علت زلزله خسارت دید و از تیرداد، معمار ارمنی، برای بازسازی آن دعوت بعمل آمد. از سده نهم، نفوذ ارمنی بر تکوین و تکامل معماری بیزانس حاکم بوده است. معماری ارمنی با برادر خود بیزانس که اغلب با آن عجین می گردید، در سراسر حوزه مدیترانه گسترش یافته به کشورهای گوناگون قاره اروپا که با قسطنطنیه در ارتباط بودند نفوذ یافت.

ایران

در اثناء سده های میانه، ایران، دوست صمیمی ارمنستان از رفیق خود مطالب زیادی آموخته و تقلید نموده است.

معماری اسلامی

قبل از سده دهم، مکتب اندلزی از تیرهای حائل طاق استفاده نمود یعنی یک قرن قبل از ظهور آن در فرانسه.

در این جا می توانیم از محراب مسجد کردوا یاد کنیم که مشابه مقبره آخپات مذکور در اوایل همین کتاب، می باشد. آیا این، از ارمنستان سرچشمه گرفته است؟

مکتب ترک

معماری ترک در آناتولی نشانگر سه تاثیر عمده است. اول- ارمنی، دوم- ایرانی و بالاخره سوری. برجسته ترین معماران ترکیه، یعنی سینان و بالیان ارمنی بودند.

گرجستان

گرجستان توسط اسقفهای ارمنی به مسحیت دعوت شده و گرایش یافت. تقریبا" تمام کلیساهای گرجی به همان شکل انواع ارمنی هستند. بجز در بعضی جزئیات بویژه در مورد کلیساهای خلات و توپلیز والا. بخش عمده ای از کلیساهای تفلیس (۲۸ تا از آنها) توسط ارمنیان ساخته شده است.

روسیه

روسیه یکی از شعب هنر ارمنی محسوب می شود و این مطلب نه فقط به خاطر نفوذ و تاثیر هنر اخیر از دیاری دور دست می باشد بلکه بعلت گروه هایی از معماران ارمنی نیز هست که فعالانه در مرزهای شمالی قلمرو وسیع این سرزمین کار و کوشش می کردند. طرح کلیسای صوفیای مقدس در کیف همانند کلیساهای مناطق شمالی ارمنستان می باشد. همین مطلب در مورد کلیساهای روسیه نیز صادق است که در سده های ۱۱ و ۱۲ یعنی عالی ترین دوران معماری اش، تحت تاثیر هنر ارمنی، بیزانس و رم بنا گردیده اند. همانند کلیساهای ارمنی، در اکثر این کلیساها درهای جانبی وجود ندارند. سادگی دیوارها به طریق سبک ارمنی توسط ستون هایی که به قرنیس ختم می شوند، یا توسط قوسهای قسمت های فوقانی بنا و نسبتا" شبیه به آنچه که امروز ما با بتون آرمه انجام می دهیم، جبران می گردد. مثلث مشخص و پایه های به سبک ارمنی در روسیه وسعت بسیار یافته اند. مثلا" در جزئیات تزئینی، موتیف های ارمنی اغلب مورد استفاده قرار گرفته اند. کلیساهای سن دیمیتری ولادیمیر، سن گئورگ اورنیولسکی و کلسای پوکراوا بوضوح به همین طریق تحت تاثیر قرا گرفته اند.

لهستان، صربستان و ملدا- واکی

در جریان مهاجرت عظیم از آنی، در این سه کشور مهاجرنشینان ارمنی بوجود آمد که تا امروز نیز به حیات خود ادامه می دهند. یک از دوستان جغرافیدان من که اخیرا" برای انجام پژوهشهایی از بالکان دیدن کرده بود از اسامی ارمنی تعدادی از روستاهای آنجا، با کلیساهای سنتی که اخلاف مهاجرین ارمنی در آنها ساکن بودند، متحیر گردیده است. این مهاجرین، سبک و شیوه های ساختمانی و متدهای ارمنی را با خود به ارمغان آورده اند و تعداد بسیاری از کلیساها نشانگر عینی این تاثیرات ناشی از معماری ارمنی می باشند. ما

همچنین می دانیم که تماسهایی نیز با موطن سن گریگور روشنگر وجود داشته است. سن ساوا (۱۲۳۶-۱۱۶۹) برادر استفان اول، اولین اسقف اعظم صربستان و سازمان دهنده بزرگ آئین آنجا و پیام آور تمدن کشورش، در طول مسافرتش به شرق، میهمان دیرها و کلیساهای ارمنی بوده است. کلیساهای متعدد ارمنی در صربستان وجود دارند.

کلیساهای رمانسک و گوتیک

لیکن، بعقیده من، مدعای اصلی شهرت و عظمت این هنر رد انزوا قرا گرفته و دور دست، تاثیر و نفوذی است که روی مکتب های بزرگ غربی نهاده است. اجازه دهید، نظر و عقیده متعادل م. فر. بنوی، پروفسور تاریخ هنر دانشگاه لیل را بیان نمایم.

«سبک ارمنی در مسیرهای گوناگون گسترش یافت و در کشورهایی دور دست نفوذ کرد. این گسترش بعلت اعتبار کلیساها ویرهایش و مهاجرت بخشی از ساکنین آنی به شمال خزر، کریمه، گالیسیا، ملداویا و لهستان بود که پس از اشغال شهرشان در سال ۱۰۶۴ توسط سلجوقیان صورت رفت. مسلما" فنون ساختمانی خود را به آناطولی، طرح ها و بدون شک استادانش را به روسیه و الگوهای تزئینی اش را به صربستان و ملدا- والاشیا داده است. شاید این معماری نفوذ خود را بر تکامل مکتب بیزانس از سده دهم به بعد نیز اعمال نموده باشد. بالاخره، بدون اینکه به نتیجه قطعی رسیده باشیم، باید این واقعیت انکار ناپذیر را بیان کنیم که سیمای کلی و برخی خصوصیات کلیساهای ارمنی نشاندهنده تشابه شدیدی با بناهای سبک رمانسک و کارولینگیان (شارلمانی- م) هستند».

م. بالتروسایتیس می کوشد تا نقش بسیار مهمی را که معماری ارمنی در توسعه طاقهای گوتیک ایفا نموده است، نشان دهد.

برای حمایت از یان توری، او ادله و مدارک بسیار جالب توجه ارائه می دهد. مقایسه برخی از نمونه ها ی ارمین با بناهای رماسنک- گوتک (سن ژرمینی دپره، برج شارلمان، سن گرگوری پیتموپر(۲۹)، سن اتینه بیوا، سن مینیاتوفلورانس، کازال- مونفرااتو[لومباردی] و غیره) نشانگر تاثیر ات و نفوذ مسلم ارمنی است. ویژگی های اصلی معماری گوتیک در ساخت مخصوص وردش ساختن قوس یا طاق میان دو ستون می باشد. م. بالتروسایتیس در صدد اثبات اصلیت ارمنی این متدها و عملیات است. در اینجا واقعیت های تاریخی که این دانشمند برای دفاع از نظریه اش ارائه می دهد را بیان می کنیم:

الف) تماسهای متعددی میان ارمنستان و غرب وجود داشته است. مگر سفیر هارون الرشید در دربار شارلمانی یک ارمنی نبود؟

ب) سن گرگوری پیتیوپر مگر کسی جز یک راهب ارمنی بود که در فرانسه ، جایی که به لطف خصوصیات ارزشمند و گوناگونش، وی بعنوان اسقف تقدیس یافت، اقامت گزیده طبیعتا" او کلیسای جامع خود را با الگوی ارمن ساخت و شاید متخصصینی هم از کشورش آورده بود.

پ) متون خطی ارمنی به خاطر اهمیت فرهنگی، تاریخی و وابستگی به کتاب مقدس، بطور وسیع در اروپا یافت می شد.

ت) جنگهای صلیبی عامل موثری در انتشار تاثیرات و نفوذ شرقی و انتقال روشهای ارمنی به غرب بحساب می آید. افراد متعدد و متشخص ارمنی با صلیبیون به اروپا آمدند البته به استثناء موارد ازدواج و وصلت هایی که قبلا" وجود داشت. ارمنستان نشان داده بود که یار فداکار و پرارجی برای صلیبیون است.

ث) طاق- قوسهای ارمنی حدود یک قرن و نیم مقدمتر از نوع گوتیک بود.

ج) اکثر کلیساهای غرب با طرح مثلهای متحدالراس دارای الگویی در ارمنستان می باشند، البته بدون احتساب و در نظر گرفتن شباهت های روشهای ساختمانی و المانهای تزئینی.

م. باستروسایتیس حتی در این باب پا فراتر نهاده با عقیده استرازیگوسکی دال بر منطقی و صمیمی بودن جزئیات ساختمانی قوسها و طاقهای ارمنی موافقت می کند در حالیکه مکتب گوتیک برخی اوقات از آنها به نحو پیچیده ظاهری و نسبتا" سیستماتیک (بطور سنتی) استفاده کرده است. با وجود این، او اذعان دارد که عوامل متعددی در توسعه طاق- قوسها ، تحدید شرکت آن در فقط برخی از آنها، البته در قسمتهای پراهمیت، دخیل بوده اند.

زیر نویسها

۱- Sir Sydney Caine
۲- طلبه قدیمی رشته بناهای تاریخی پاریس-م.
۳- Dr. Azeredo Perdigo
۴- این رقم مربوط به سالها قبل است. اگر چه آمار دقیقی در دست نیست لیکن با در نظر گرفتن روند رشد سالانه و ملاک قرار دادن ارقام جمعیت کل ارمنیان جهان حدود ۷/۵ میلیون نفر برآورد می شود-م.
۵- درجه شرق-م.
۶- Dubois de Montpereux
۷- به ارمنی آنها را آرشاگونی می نامند-م.
۸- مونوفیزیت کسی است که عقیده دارد باینکه مسیح دارای یک ذات است و بس (معمولا" مسیحیان معتقدند که عیسی دارای جنبه الوهیت و جنبه بشریت است)م.
۹- عضو کلیسای نسطوری قدیم ایران که پیرو «نسطوریس» (Nestorius) بوده و در سال ۴۳۱ میلادی شورای مسیحیان او را مرتد دانست، به معنی آشوری مسیحی نیز هست-م.
۱۰- کلیسای ارمنی به سه جامعه تقسیم شده است:
- ارمنیان گریگوری کلیسای ملی، که اکثریت را تشکیل می دهند. رهبر کل آنها لقب کاتولیکوس داشته و مقرش از سده چهارم در اچمیادزین ارمنستان واقع است (ارمنستان در ۳۰۱ مسیحیت را پذیرفت). در ۴۵۱ کلیسای مونوفیزیت گریگوری به موجب شورای خالدون از کلیسای ارتودوکس قسطنطنیه مجزا گشت.
- ارمنیان متحد یا کاتولیک مستقل با مقر مقدس رم که مراسم و سنن قدیمی خود را حفظ کردهاند. کاردینال آقاجانیان رهبر آنهاست.
- ارمنیان پروتستان که از حیث تعداد قلیلند و بیشتر در ایالت متحده اقامت دارند.
۱۱- Freemason- عضو فرقه یا حزب «معماران ماهر» که در قرون وسطی بسیار بود و ساختمان ها ببزرگ را می ساختند و بوسیله علائم رمزی مخصوصی با یکدیگر آشنایی و تماس حاصل می کردند-م.
۱۲- Oriental
۱۳- Syriac
۱۴- Utility
۱۵- La Roseraie d'Armenie
۱۶- Cluny
۱۷- Nov gorod
۱۸- Norsemen
۱۹- Bayeux
۲۰- Baltrusaitis
۲۱- امروزه اکثر دانشمندان معتقدند که این تاریخ، ۳۰۱ میلادی بوده است، در هر حال نظرات متفاوتی تا کنون در این باب اظهار گردیده است-م.
۲۲- Polychromy- فن تهیه نقوش الوان- م.
۲۳- “Collection des Historiens anciens et modernes de L’Armenie”
۲۴- Stereotomy
۲۵- بعضی از نویسندگان حواری و بطریق، گریگور مقدس را که در اواخر سده سوم میلادی مسیحیت را رسما" در ارمنستان معرفی نمود، سرزنش می کنند و او را باعث ویرانی کامل بقایای ادبیات دوران بت پرستی و نیز

تمام آثار هنری، بناها و ساختمان های آن دوران می دانند. با این وصف در این زمینــه بایــد بــا نظــر شــک و تردیــد نگریست.

۲۶- Zenob of Glak

۲۷- Cordova

۲۸- ۱۷ تن از امپراتورها و ملکه های امپراتوری بیزانس ارمنی بودند- م.

۲۹- Saint Gregory of Pithiviers

² ä ² ¶ ² APAGA

Հայ-իրանական մշակութային եւ հասարակական եռամսյա միջազգային հանդես
An International Journal of Armenian and Iranian Studies, No. 11-12



ISSN 1682-5438

Համար 11-12 (26 - 27) 2003 թ.